وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ



معمولات سیفی

بانضمام سلاسل اربعہ معروفہ طرق چہارگانہ سیفیہ

ازتالیفات ابوالاسفار علی محمد البلخی سیفی

زیر اہتمام

صاحبزادہ فقیر عاجز محمد نجیب اللہ سیفی
0300-4810356, 0300-3981812
المکتبۃ السیفیہ مرکزی آستانہ عالیہ سیفیہ فقیر آباد شریف لاہور

الحمدللہ والمنۃ کہ این رسالۂ مفیدۂ مشتمل بر

ضروریات طریقۂ نقشبندیۂ سیفیہ

مسماۃ بہ

معمولات سیفی

از تصانیف

ابوالاسفار علی محمد البلخی المعروف

بملای بلخی

بحلیۂ طبع آراستہ مقبول ومتداول ایدی خُلّان شد

المکتبۃ السیفیۃ مرکزی آستانہ

عالیہ سیفیہ فقیرآباد شریف لاہور

نام کتاب: معمولات سیفی

مؤلف : ابوالاسفا رمحمدعلی البلغی سیفی

تعداد: 2200

باھتمام: صاحبزادہ فقیر عاجز محمد نجیب اللہ سیفی

کمپوزنگ: مفتی ابوضیاء اللہ ضیاء الرحمن فاروقی سیفی

ھدیہ: 50

سن اشاعت اول: 2015"2"15

خصوصی تعاون: صاحبزادہ گان مبارکان

ادرس

(۱) المکتبۃ السیفیہ مرکزی آستانہ عالیہ سیفیہ فقیر آباد شریف لاھور

(۲) مکتبہ محمدیہ سیفیہ نزد آستانہ عالیہ محمدیہ سیفیہ راوی ریان

(۳) جامعہ جیلانیہ نادر آباد نمبر 1 بیدیا روڈ

(۴) صوفی گلزار احمد سیفی، بابا فرید کالونی چونگی امرسدھو

فہرست

اعلان عام

اشخاص نمبر ۱۴/۱۹/۲۱ کہ در فصل ہشتم این

رسالہ درردیف ماذونین ثبت شدہ ندازرتبۂ خلافت
معزول وغیرمجازمیباشند
منجانب فقیراخوندزادہ سیف الرحمنؒ
بسم اللّٰہ الرحمن الرحیم

الحمداللّٰہ الذی خلق نوع العشاق من الانسان واودع فی صدورھم اقسام الجذبات والعرفان واسلکھم مسالک الھدایۃ والاحسان وشرفھم معارج الولایۃ بالسکینۃ والاطمنان واشربھم شرب الصفاء من حجاب النسیان والصلوۃ والسلام علی سیدولدآدم فی نوع الانسان وھوالذی بعثہ اللّٰہ فی اخرالزمان وعلی آلہ واصحابہ الذین معدن الھدایۃ والآمان وعلی اولیائہ الذین تمسکوا سیرتہ فی جمیع الزمان ط اما بعد

پس میگوید کمترین خلق اللّٰہ بندہ نابکاراضعف عباداللّٰہ الغفارابوالاسفارعلی محمدالبلخی مدتے مدیدوازمنۂ بعیدبودکہ درخاطرفاتراین ھیچمند ارادہ

آن بود که مراقبات طریقهٔ عالیهٔ حضرت مرشدم را تحریر نموده در طباعت آن بپردازم تا اینکه سهولت راه سالکان طریق ایشان شود و کذا از کثرت نسخ محررین و ناسخین تغییر و تحریف دران راه نیابد بالآخر از ذات بابرکات نیز اشارتی بدین مرام بسمع این نابکار رسید لذا رسالهٔ مفیدهٔ وجیزه بترتیب وتزئین آن نگارش یافت علاوه بر مراقبات بعضی ضروریات دیگری رانیز جمع آوری نمودم که مجموع آن مشتمل است بر هشت فصل

وباللہ التوفیق

فصل اول

دربیان بعضی ضروریات من جملهٔ امور ثلاثهٔ این علم شریف بدان ابقاك اللہ تعالی بعدما افناك که طالب هر فن را لابدیست از دانستن امور ثلثهٔ آن فن که عبارت از تعریف. و غرض. و موضوع است راقم

الـعروف درین باب بذل المجهودنموده میگویدکه در شروح حکم عطائیه وشروح هدایةالاذکیاء الی طریق الاولیاء سخنان مترادف نوشته اندا ماحاشیة شیخ الاسلام زکریاانصاری بررسالة قشیریه که ازاقدم رسائل این علم شریف میباشدبدین عبارت نوشته التصوف هوعلم تعرف به احوال تزکیةالنفس و تصفیةالاخلاق وتعمیرالظاهر والباطن ونیل السعادة الابدیةوموضوعه التزکیةوالتصفیةوالتعمیرالمذکور وغرضه نیل السعادة الابدیة ودیگر از ضروریات تجلیل عرسهائی مشائخ میباشدکه مطابق بتاریخ وصال حضرات طرق همان شب وروزرادرسنین آتیه تجدیدنموده ازدعاوتلاوت روح آن شخص را خوشنودمینمایندو این تجلیل رادراصطلاح این قوم تاریخ عرس مینامندکه راقم الحروف این موضع را دررسالة سلاسل اربعه ازتاریخ وصال وتعین شهور ودیگرازمدافن واماکن متبرکه تذکرنموده والتفصیل

هناك وآنچه مبتدعين متصوفه (۱) دراين ايام دربدل موصوف اختلاط نساء ورجال واستعمال آلات ملاهی چون ضرب دف وبوق وصنج و مزماروغيره ازتصنع خودها تراشيده عرس مينامنداصلے و اساسی نداردبلکه بمضمون من سَنّ سُنّةً سَيِّئَةً الحديث داخل عتاب ميشوندنسئل اللّٰه ان يهديهم الیٰ صراط مستقيم

قربان مشائخ خودشوم که حاجت اين تصنع نداشته اندوبايک توجه کارصدها چلّه نشينی رادرباطن سالک طريق جلوه گرمينمايندامّاراه روان باديه غباوت بانظارهٔ (۲) دوربهن ازين نعمت عظمٰی در حيرت مانده اندوبجزانکاروحيل راه ديگری ندانند

رباعی

---

(۱) اين لفظ ازباب تفعل است وازخواص آن تکلف است يعنی کسانکه خودرابزورنسبت کنندبطريق اين قوم بخلاف صوفيه که ضدآن است ۱۲ (۲) مهک چشم ۱۲

بوی گل سرخ برخسی راندهند

این جاذبه هربوالهوس راندهند

منکرچه شوی بحالت زنده دلان

چون آنچه ترانیست کسی راندهند

ودیگرخدشه بعضی متقولین است که میگویند توجهات درسینه خلل پذیر است این بی دولتان وساده لوحان این قدرنمیدانندکه درطریقهٔ علیهٔ نقشبندیهٔ مجددیه ابتداء کارازعالم امراست و هرگاه محل لطائف عالم امرمتمرکزبصدرانسانی باشدپس ناچاربسوزوگدازآن بدانندزیراکه هر لطیفه رارنگ وآثاروکوائف مخصوص میباشدوآن گرمی وحرارت وشوق وذوق وآه وناله وبیتابی که درزمان حضرت قطب ربانی مجدد الف ثانی موجودبودبایدکه در وابستگان ایشان نیزباشدواگرحیات وگرمی لطائف راندانندپس مدعی این طریق کذاب ومفتری میباشد

انهاکه سوز سینه ندارند و عشق یار
درروز حشر نالهٔ واحسرتا زنند وفی المثنوی
کارمردان روشنی وگرمی است
کارنادانان خیلهٔ وبی شرمی است

فصل دوم دربیان فوائد تصوف

تنبیه: تشریح صوفی که مجرد این لفظ است بطوریکه لازم است درین اوراق گنجائش ندارد از انکه صاحب هدایة الاذکیاء الی طریق الاولیاء فرموده که درکلمه صوفی هزارمعنی است مِنجُمله منسوب الی الصوف که بمعنی پشم است وطائفهٔ صوفیه گاهی لباس صوفی یعنی پشمی استعمال میکردند: ویا مشتق از صفا است که این طائفهٔ صافیه درتزکیه وصفاء باطن معروف ومشهور جهانیان میباشد واز فوائد آن (۱) این است که ازاله صفات ردیه انسانیه

(۱) مشار الیه درینجا تصوف است ۱۲

که آن راصفات بهیمیه نیزگویندبتوسط اکتساب علوم این اماجدحاصل میشودواگرگفته شودکه آن صفات کدام است جواب آن صفات مهلکه عبارت از غفلت وکِبْروکُدُورَث وآنانیّث وبُغض وحَسدوعُجب وریاوحُب ریاست وحُب جَاه وجلال وعِزت وعَظمت وغیره ازهمین قبیل که تعدادآنهابه نود(۹۰)صفات میرسدکه تفصیل آن درکُتب مطولات ایشان مرقوم است وازالۀ این صفات بدون صحبت مرشدکامل ومکمل ازنوادرشمرده اندازین جاست که علامه لاثانی میرسیدسندجرجانی اعتراف نموده میگویدکه لم نعرف الحق سبحانه کماینبغی مالم یصلً الی خدمت عطارالبخاری (۱)(حاشیه فوائدالبهییه)ودیگر ازکمال این اکابراینست هفتادهزارحجاب که دربین

(۱)مرادشیخ علاؤالدین عطارؒخلیفۀ ودامادحضرت شاه نقشبندؒ میباشدکه درفوق مرتفع معروف درده چغانیان ازخطۀ رستاق مدفون است نه فریدالدین عطارؒ۱۲

عابدومعبودموجودمیباشدآنراازبین ربوده واصل بمقصودومعبوداصلی مینمایندازهمین جهت ولی را بمعنی قریب گفته اندترتیب تخریق آن حجاب ها بدین طوراست هرلطیفۀ ازلطائف انسانی که بمقام اصلے خودرسیده فانی ومستهلک شودبهرلطیفه ده هزارحجاب ربوده میشودمثلا

ده هزاربلطیفۀ	قلب
وده هزاربلطیفۀ	روح
وده هزاربلطیفۀ	سِر
وده هزاربلطیفۀ	خفی
وده هزاربلطیفۀ	اخفیٰ
وده هزاربلطیفۀ	نفسی
وده هزاربلطیفۀ	قالب

که مجموع زیاده ازهفت گام نمی باشدکماقال العارف الرومی:

هفت شهرعشق راعطارگشت

ماهنوزاندرخمی یک کوچه ایم

وکذاعشق اوتعالی ومحبت رسول وی صلی الله علیه وسلم که مقصوداصلی عشاق وعشق یاران حقیقی میباشد ازقمعه بارکات این اعاظم حاصل میشود:اما منکرین ونامحرمان اسرارهمیشه دربادیه حیرت عمری بسرمیبرندواینجاست که حضرت مالک بن انس رحمة الله علیه می فرماید:من تفقه ولم یتصوف فقدتفسق آه..

بامدعی مگوئیداسرارعشق ومستی

تابے خبربمیرددررنج وخودپرستی

وایضا:

سخن بامردصحرائی الاای مغربی کم گو

که صحرائی نمیداند زبان اهل دریارا

وآنانکه این دولت باسعادت رادرخودهامشاهده نکردندبمضمون اَلنَّاسُ اَعْدَآءٌ لِمَاجَهِلُوْاازصاحبان این نعمت عظمی انکارنمودند

رباعی

بهار آورد دیگر دیوانگی را
گریبان چاك شد فرزانگی را
ترا هرگز گریبانی نشد چاك
چه دانی لذت دیوانگی را

اما قائلین و شاربین این مشارب چه خوش گفته اند

آنهاکه خبریافت ازملک نیم شب
صد ملک نیم روز بیک جونمی خرند
آنهاکه روز خانه ندارند برزمین
شبها به سوز عشق قدم بر سما زنند

وکذا بمضمون مَنْ لَمْ یَذُقْ لَمْ یَدْرِ سزاء ایشان برآورده اند اکنون میباید فهمید که حکم شرع حنیف درباب این علم شریف چیست: جواب دربعضی کتب بلفظ وجوب ودربعضی بلفظ استحباب ودر بعضی بلفظ فرض باکتساب این علم قول نموده اند تفصیل اینکه اگر شخصی باشد که ازالهٔ صفات مذکوره نموده باشد

در حق آن کس مستحب باید گفت و آن چه بفرضیت آن مذکور است صاحب ایقاظ در شرح حکم عطائیه مینویسد که ازالۂ این صفات بنصوص قطعی ثابت شده و فعل آن از کبائر شمرده اند و اگر شخصی باشد مبتلا باین صفات و صاحب کمالی را دریابد و بداند که ازالۂ صفات موصوفه ازان شخصی حاصل میشود و راه دیگری بسلب آن نداشته باشد پس میباید که ازان جناب بیعت نموده ازالۂ آن مهلکات نماید زیرا که موقوف علیه فرض نیز فرض میباشد چنانچه طهارت از برای صلوٰة (۱) و خود انصاف باید نمود و عینک دوربین را از چشم کوربین انداخته با چشم حق بین باید دید و الّا فرموده او تعالی چنین است مَنْ عَادٰی لِیْ وَلِیًّا فَقَدْ آذَنْتُهٗ بِالْحَرْبِ الحدیث و دیگر

(۱) و اگر خواهی که این تحقیق ترا عین الیقین معلوم گردد در مکتوب ۲۱۹ ج ا مکتوبات قدس آیات حضرت امام ربانی و مجدد الف ثانی رحمه الله ملاحظه باید نمود و نقل آن طولی و تفصیل دارد ۱۲

کتب ائمه دین ازین سخن مملؤومشحون است که منکرین این طائفه بجزسوء خاتمه چیزی دیگری نقد وقت ندارند کمافی البریقه ومجموعۂ علامہ شامی وشرح بحرالعلوم برفقه اکبرحضرت امامؒ وحیوة الحیوان علامه دمیری وکلام المنجی فی ردالبرزنجی وغیرذلک مِمّالَاتُعدولاتحصیٰ اللهم باعدبینی وبین منکری اولیآئک کماباعدت بین المشرق والمغرب

رباعی

اگرجاهل نداندقدرافضل

زجهلش نقی آن هرگزنیاید

زصاحب فضل دیگرحال وی پرس

که شکل نیک راآینه باید

وآنچه بلفظ وجوب مشهوراست ازقبیل وجوب عینی است ازان تعبیربفرض میشودواین قول درشرح

هدایةالاذکیاء مرقوم است؛

فصل سوم

دربیان ارشادمرشدنادرباب طالب حق بدانکه جناب ایشان ازطرف قدوتنامولاناصاحب مرحوم محمدهاشم سمنگانی قدس سره نائب مناب مطلق میباشندودرحق ایشان سخنان بساعجیب وغریب حاکی است ودرهرچهارسلاسل مروجه مریدهاوخلفاء ومأذونین ازایشان وجودداردخصوصًا درطریقه عالیهٔ نقشبندیهٔ مجددیه که شمهٔ ازاوصاف ایشان درفصل هفتم این رساله مرقوم خواهدشد وطریق سلوك ایشان درباب طالب حق اینست که اولاًطالب رامطابق بآراء سواداعظم اهل سنت وجماعت جدأمی فهماندو بافکارفحول فرقهٔ ناجیه آشنامی سازدودراعتقادیات ماتریدیه وی راتعلیم می نمایدوبمذهب حنیف حنفی اورامقلدمی سازدوبَعْدَهُ باستخاره مسنونه مأمورمی سازدواگر شخصی باشد

متصف باین صفات(۱)نیز باستخاره مؤظف می سازد
واگر بیک شب مکشوف نشد بچندین شب دیگر
مأمور میکند وبَعدهُ مطابق بفرموده حضرت امام
ربانی مجددالف ثانی قدس سره شروع ازعالم امرواز
لطیفهٔ قلب نموده ویراتلقین ذکرمنماید که این طریق
راباصطلاح این قوم اِندِرَاجُ النِّهَایَۃِفِی الْبِدَایَۃِ ویاسیر
انفوسی گویند مثالش درسیرسلوك این است که ازبالا
بپایان بیاید بخلاف سیرآفاقی که بساطالبان بمقصد
نارسیده ازدنیارحلت میکنندوطالب این سیر که قبل
ازوصول بمیرد مأیوس مطلق نخواهدبودو دیگر
مریدان رامطابق باوامرشریعت چنان دعوت میکند
حتی المقدوراولویت راهم ازدست نمیدهدواشخاص
موصوف به مُخَنَّثَۃُالرِّجَال مانندریش کل وریش
کوتاه ومتشبه بَزِی فُساق راهرگزتلقین ذکر نمیکنند
مگربشرط اصلاح امابعد:بعضی مردمان

(۱)یعنی دراعتقادیات سواداعظم اهل سنت وتقلیدمذهب ۱۲

میگویند حضرت حافظ محمد شمس الدین شیرازیؒ
نیز از اصحاب نقشبندیه می باشد چنانچه در نفحات
وغیره مذکوراست موصوف در دیوان خود می فرماید
فرد در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست: این سخن
چه معنی دارد: جوابش این است که استخاره بر دو
قسم است: اول استخاره در نفس کار خیر دوم بتعین
اوقات واشخاص واین استخاره از قسم دوم است:
مثالش آنست که شخصی در صورت ازدواج
استخاره کند چنانچه در صحیح ابن حبّان و مصنف
ابن ابی شیبه از عبدالله بن مسعودؓ استخاره نکاح
روایت شده باوجودیکه نکاح از کار خیر است همچنین
استخاره در حج وجهاد وغیره ازین قبیل است این
سخن در مراقی الفلاح وطحطاوی حاشیه آن ص۲۱۷
مرقوم است ودیگر در مستدرک حاکم وسنن ترمذی از
ابی ایوب انصاریؓ روایت شده مِن سَعَادَةِ ابنِ آدَمَ
استِخَارَتُهُ اللّٰه ومن شقاوته ترکه استِخَارَتُهُ اللّٰه آنانکه این

شعر حافظ علیه الرحمة را خواندند باید که این شعر دیگر وی راهم بخواند

در طریقت پیش سالک هر که آید خیر اوست

در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

وبعدازین که لطائف عالم امر آن بطور مقررات مشائخ باِتمام رسید شروع ازعالم خلق آن می نمایدو هرگاه نفس وقالب که ازعالم خلق است باِتمام رسید بعد ازان بطور معمولات مشائخ طریقۀ علیه سبق ازنفی اثبات می دهداین دولت باسعادت اولاً بتلقین مرشد کامل ومکمل ضرورت داردو بعدهُ باستعداد طالب نیز مربوط است: راقم الحروف بکرّات ومرّات مشاهده نموده که بعضی طالبان بیک صحبت جناب ایشان بامقامات عالیات راطی کردند وصاحب کشوفات صادقه و خوارقهای عجیبه شدند بعضی بیک روز وبعضی به دوسه روز وبعضی بیک هفته وبعضی دیگر بیک ودوماه وبرخی بسال

ودوسال بلکه بچندین سال هم اشخاصهائے کم
استعدادنمیدانداماذات بابرکات ایشان بجز صحبتها
وتوجهات طالبان حق دیگرکدام اشتغال دنیوی
اختیارنکردندبخلاف سائرمشائخ که مریدان ایشان
بسالی یک ترجه راهم قائل نیستندبلکه ازین
دولت باسعادت اطلاعی هم‌ندارند

تکیه برجای بزرگان نتوان زدبگزاف
مگراسباب بزرگی همه آماده کنی

الغرض بعدازجریان نفی اثبات شروع بوقوف
مراقبات مینمایدوبعدازطی دائرۂ احدیت نموده
شروع باصول مراقبات میکنندوهرگاه که اصول
باِتمام رسیدازدایرۂ ولایت صغریٰ که اول قدم سالک
است به ولایت ازینجاشروع کرده بطورِکه درآینده
تذکرمیشودالی دائرۂ لاتعین که انتهاء سیرسـ ک
است باِتمام میرساندوآنچه مافوق لاتعین بعضی
مقامات مشاهده میشودکمتراشخاص بآن مقام قدم

گذاشته اندوآن عبارت ازدائرهٔ قیومیت وحقیقت صوم وسیف قاطع میباشدالحمدلله والمنة درطریقهٔ علیه جناب ایشان بسااشخاص اندکه ازین مقامات نیزحصهٔ وافردارند

رباعی

کجاچشمی که بینداین کمات

کجاسمعی که فهمداین مقالت

فصل چهارم

دربیان شرائط مراقِبُ ومراقِبَات

(۱)منجملہ مراقِب رامیبایدکه درحین مراقبه طهارت کامل وجمع خاطرنموده چنان متوجه فیضان الٰهی باشدکه بجزمقصودبدیگری میلان ننماید

(۲)این مراقبات برای کسی سودمنداست اولاً مطابق بآراء اهل السنت والجماعةتصحیح عقائدنموده باشد

وبعدهٔ تائب شده ازمرشدکامل ومکمل مأذون مراقبات گردیده باشد

(۳)این مراقبات دروقتی تجویزمیشودکه شخصی مراقب رالطائف علم امروعالم خلق آن بتوسط صحبت مرشدکامل ومکمل حیات پیداکرده وبذکر الٰهی جاری شده باشدونفی اثبات رابطوریکه لازم است عامل باشدوبعدازین می تواندکه شروع به مراقبات نماید

(۴)تعدادتوقف ایّام درهرمراقبه نیزموقوف باِذنِ مرشدموصوف الذکرمیباشد

هرآن کاری که بی استادباشد
یقین میدان که بے بنیادباشد

(۵)هرمراقبه راکه کیفیتی وآثاری میباشدمراقِب را میبایدکه ازمتابعت سنن وآداب طریق تخلف نه ورزدتااینکه نائل بآن حلاوت وکیفیت شودودرین باب جهدبلیغ نمایدوآنچه ازوی معدوم باشدبه

تقصیرات خودمتوجه شود

شعر

هرچه هست ازقامت ناسازبی هموارماست
ورنه تشریف توبربالای کس کوتاه نیست

(۶)درحین مراقبه بطوری جلوس نمایدکه اگرحالت نَوم بآن طاری شودبتجدیدوضوء حاجت نماندزیراکه مراقبه کیفیت نَومی هم دارد:کماصرح بذلک علامه بحرالعلوم فی شرح فقه الاکبر فی مبحث کرامات الاولیاء والتفصیل هناك

(۷)آنچه ازوقائع که ویرادرحین مراقبه رُخ میدهد باید که بحضورمرشدعرضه نمایدخصوصاًظهورِعالم امرکه درآن مَوَطَنُ شائبه بیچونیت رادیده شود خودرابصورت چون دیده فریفته نشودکه بساساده لوحان دربن وادی خُفته اند

(۸)مراقب رامبایدازتعدادایّامی که برآن مأمورشده تکاسل نه ورزد

(۹)اشخاص بی سوادمبایدکه حتی المقدوربذل المجهودنموده نیتهائ مراقبات طریق راحفظ نماید که این طریقه به گلاه وشجره نمی باشد تااینکه خطِ سیْر مشائخ راازدست ندهدوکوائف این منازل را فهمیده برود

(۱۰)تسلیک سالک مربوط بتوجه شخص کامل مکمل میباشدواگرشخصی باشدکه مراقبه کندواز حیات لطائف اطلاعی نداشته باشدمثال آنست که

کَمَثَلِ الْحِمَارِیَحْمِلُ اَسْفَاراً بیت

هرجاهل وکاهل وکُهن سال

کی لائق شیخیت واقبال

(۱۱)طالب رامیبایدکه حالت بسط مرشدرامنتظر باشدوازتوجهات وی نفع وافِرحاصل نمایدتااینکه ازدائرۂ ولایت صغریٰ که شروع ازمراقبۂ معیت میشودبطورأسْرَعْ ازان موطن بگذردوالّا این مقامیست نهایت ضیق وهزارهامردان بادیه پیما

درین وادیٔ متمرکز شده خُفته اندو از خود و از عروجات خود خبری ندارند و قائلین وحدة الوجود نیز درین مقام مُقِرِّ اَنَا الحق و سائر شطحیات شده اند امّا توجهات حضرت مرشدم درین مقام خاصیت اکسیر اعظم دارد بطوری ازین مقام سفری نموده شامل دائرهٔ ولایت کبریٰ میسازد که طالب از سبکباری خویش در حیرت می ماند و بعدهٗ در حدائق وحدة الشهود هر چند که می نگرد بجُز اتفاق آراء فحول اهل السنة والجماعة چیزی دیگری مشاهده نمی کند و از عبارت ضیق وحدة الوجود که نهایت تعبیر از ان دشوار است و مرکز بی هوشی و سکران است بطورِ اَسهَل از ان گذاشته جمع خاطر حاصل می نماید

فصل پنجم

دربیان نیت های مراقبات

بسم الله الرحمن الرحیم

نیت وقوف مراقبات

(۱) نیت وقوف مراقبه قلب

فیض می آیدازذات بی چون بلطیفهٔ قلبی من
بواسطهٔ پیران کبارر حمة الله علیهم اجمعین

توقف روز

(۲) نیت وقوف مراقبهٔ روح

فیض می آیدازذات بی چون بلطیفهٔ روحی من
بواسطهٔ پیران کبارؒ توقف روز

(۳) نیت وقوف مراقبهٔ سر

فیض می آیدازذات بی چون بلطیفهٔ سری من
بواسطهٔ پیران کبارؒ توقف روز

(۴) نیت وقوف مراقبهٔ خفی

فیض می آیدارذات بی چون بلطیفۂ خفی من بواسطۂ
پیران کبارؒ توقف روز

(۵)نیت وقوف مراقبۂ اخفیٰ

فیض می آیدارذات بی چون بلطیفۂ اخفائے من
بواسطۂ پیران کبارؒتوقف روز

(۶)نیت وقوف مراقبۂ نفسی

فیض می آیدارذات بی چون بلطیفۂ نفسی من
بواسطۂ پیران کبارؒتوقف روز

(۷)نیت وقوف مراقبۂ قالبی

فیض می آیدارذات بی چون بلطیفۂ قالبی من
بواسطۂ پیران کبارؒتوقف روز

(۸)نیت وقوف مراقبۂ خمسۂ عالم امر

فیض می آیدارذات بی چون بلطائف خمسۂ عالم
امر من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۹)نیت وقوف مراقبۂ خمسۂ عالم خلق

فیض می آیدارذات بیچون بلطائف خمسۂ خلق من

بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۱۰) نیت وقوف مجموعۂ لطائف عالم امروعالم

خلق فیض می آیدازذات بی چون بمجموعۂ لطائف عالم امروعالم خلق من بواسطۂ پران کبارؒ

توقف روز

(۱۱) نیت مراقبۂ احدیت

فیض می آیدازذات بی چون که جامع جمیع صفات و کمال است ومُنَزَّہُ ازجمیع عُیُوب ونُقصَانَات است وبی مثل است بلطیفۂ قلبی من بواسطۂ پیران کبارؒ

توقف روز

نیت اصول مراقبات

(۱۲) نیت مراقبۂ اصل قلب

الھی قلب من بمقابل قلب نبی علیه السلام آن فیضِ تجلاۓ صفات فعلیۂ خودکه ازقلب نبی علیه السلام بقلب آدم علیه السلام رسانیده بقلب من

نیزبرسانی بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۱۳)نیت مراقبۂ اصل روح

الٰھی روح من بمقابل روح نبی علیہ السلام آن فیض تجلائے صفات ثمانیۂ ثبوتیہ ذاتیۂ حقیقیۂ خودکہ از روح نبی علیہ السلام بہ روح ابراھیم و نوح علیہما السلام رسانیدہ بہ روح من نیزبرسانی بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۱۴)نیت مراقبۂ اصل سِر

الٰھی سِرمن بمقابل سِرِّنبی علیہ السلام آن فیض تجلائے شیوناتِ ذاتیۂ خودکہ ازسِرنبی علیہ السلام بہ سِرموسیٰ علیہ السلام رسانیدہ بہ سِرمن نیز برسانی بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۱۵)نیت مراقبۂ اصل خفی

الٰھی خفی من بمقابل خفی نبی علیہ السلام آن فیض تجلائے صفات سلبیۂ خودکہ از خفی نبی علیہ السلام بہ خفی عیسیٰ علیہ السلام رسانیدہ بہ

خفی من نیز برسانی بواسطۂ پیران کبار توقف روز

(۱۶) نیت مراقبۂ اصل اخفیٰ

الٰہی اخفیٰ من بمقابل اخفیٰ نبی علیہ السلام آن فیض تجلائے شانِ جامع خود کہ از اخفیٰ نبی علیہ السلام بہ اخفیٰ نبی علیہ السلام رسانیدہ بہ اخفیٰ من نیز برسانی بواسطۂ پیران کبار توقف روز

(۱۷) نیت مراقبۂ معیّت

فیض می آیدازذات بیچون کہ ہمراہ است ہمراہ من و بہمراہ جمیع مُمکنات بلکہ ہمراہ ہرذرۂ ازذرات ممکنات بہمراہی بیچون بمفہوم این ایۂ کریمہ وَهُوَمَعَكُمْ أَيْنَمَاكُنْتُمْ بلطائف خمسۂ عالم امرمن بواسطۂ پیران کبار توقف روز

(۱۸) نیت مراقبۂ اقربیّت

فیض می آیدازذات بیچون کہ اصل اسماء وصفات است کہ نزدیک تراست ازمن بمن وازرگ گردن من بمن بہ نزدیکی بِلاکَیف بمفہوم این ایۂ کریمہ وَنَحنُ

أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بلطيفۂ نفسی من باشرکت لطائف خمسۂ عالم امرمن بواسطۂ پیران کبارؒ (۱)

توقف روز

(۱۹)نیت محبت اول

فیض می آیدازذات بیچون که اصل اصل اسماء و صفات است که دوست می داردمراومن دوست می دارم اورابمفهوم این ایۂ کریمه يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ خاص بلطیفۂ نفسی من بواسطۂ پیران کبارؒتوقف روز

(۲۰)نیت محبت دوم

فیض می آیدازذات بیچون که اصل اصل اسماء و صفات است که دوست می داردمراومن دوست می دارم اورابمفهوم این ایۂ کریمه يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ خاص بلطیفۂ نفسی من بواسطۂ پیران کبارؒتوقف روز

---

(۱)دریں مراقبه حضورمشترك می باشدبین عالم امروعالم خلق

(۲۱) نیت مراقبۂ دائرۂ قوسی

فیض می آیدازذات بیچون کہ اصل اصل اصل اصل اسماء و صفات است ودائرۂ قوسیست کی دوست می داردمراومن دوست می دارم اورابمفهوم این ایۂ کریمہ یُحِبُّهُم وَیُحِبُّونَهُ خاص بلطیفۂ نفسی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۲۲) نیت مراقبہ اسم ظاهر

فیض می آیدازذات بیچون کہ مُسَمّٰی باسم ظاهر است بمفهوم این ایۂ کریمہ هُوَالْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُوَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَبِكُلِّ شَیءٍ عَلِیمٌ خاص بلطیفۂ نفسی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۲۳) نیت مراقبۂ اسم باطن

فیض می آیدازذات بیچون کہ مُسَمّٰی باسم باطن است کہ مَنشاءِ ولایت عُلیَا است کہ ولایت مَلأُ الْاَعلٰی است بمفهوم این ایۂ کریمہ هُوَالْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُوَالْبَاطِنُ وَهُوَبِكُلِّ شَیءٍ عَلِیمٌ بعناصر

(۱)ثلاثۂ من کہ آب وبادوناراست بواسطۂ پیران کبارؒ توقف
روز

(۲۴)نیت مراقبۂ کمالات نبوت

فیض می آیدازذات بیچون کہ مَنشَاء کمالات نبوت است بہ عنصرخاکی(۲)من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف
روز

(۲۵)نیت مراقبۂ کمالات رسالت

فیض می آیدازذات بیچون کہ مَنشَاء کمالات رسالت است بہ ھیئت وحدانی (۳)من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف
روز

(۲۶)نیت مراقبۂ کمالات انبیاء اولوالعزم

فیض می آیدازذات بیچون کہ مَنشَاء کمالات انبیاء اُولُوالعَزم است بہ ھیئت وَحْدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف
روز

---

(۱)دریں مراقبہ حضوراجمالاً درتمام بدن گرفتہ میشودمانند جریان خون دربدن موضع تعین ندارد(۲)حضوراین مراقبہ نیزمثال ماقبل است(۳)ازیں مراقبہ الی آخرمراقبات حضوردرلطیفۂ اخفی میباشدکہ این سخن راغیرمرۃ ازجناب ایشان شنیدہ ام ۱۲منہ

(۲۷)نیت مراقبۂ حقیقت کعبہ ربانی

فیض می آیدازذات بیچون کہ مَسجُودِجمیع مُمکنات است ومَنشاء حقیقت کعبۂ ربانی است بہ هیئت وَحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۲۸)نیت مراقبۂ حقیقت قرآن مجید

فیض می آیدازوسعت بیچون کہ ومَنشاء حقیقت قرآن مجیداست بہ هیئت وَحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۲۹)نیت مراقبۂ حقیقت صلوۃ

فیض می آیدازکمال وَسعَت بیچون حضرت ذات کہ مَنشاءحقیقت صلوۃاست بہ هیئت وحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۳۰)نیت مراقبۂ معبودیت صرفہ

فیض می آیدازحضرت ذات بیچون کہ مَنشاء معبودیت صرفہ است بہ هیئت وحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۳۱)نیت مراقبۂ حقیقت ابراهیمی

فیض می آیداز حضرت ذات بیچون که مُحِبِ صفات خوداست ومَنُشَاءِ حقیقت ابراهیمیؑ است به هیئت وحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ

توقف روز

(۳۲)نیت مراقبۂ حقیقت موسوی

فیض می آیداز حضرت ذات بیچون که مُحِب ذات خوداست و مَنُشَاءِ حقیقت موسویست به هیئت وحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۳۳)نیت مراقبۂ حقیقت محمدی صلی اللہ علیه وسلم

فیض میآیداز حضرت ذات بیچون که مُحِبِ ذات خود است ومحبوبِ ذات خوداوست و مَنُشَاءِ حقیقت محمدیؐ است به هیئت وحدانی من بواسطۂ پیران کبارؒ توقف روز

(۳۴)نیت مراقبۂ حقیقت احمدی

فیض میآیدازذات بیچون که محبوب ذات خوداست

ومَنشاءِ حقیقت احمدیست به هیئت وحدانی من
بواسطهٔ پیران کبارؒ توقف روز

(۳۵)نیت مراقبهٔ حُبِّ صرف

فیض میآیدازذات بیچون که مَنشاءِ حب صرف است
به هیئت وحدانی من بواسطهٔ پیران کبارؒ
توقف روز

(۳۶)نیت مراقبهٔ لاتعیُّن

فیض میآیدازذات مطلق بیچون که موجوداست
بوجودی خارجی ومُنَزَّهٔ است ازجمیع تعیّنات به
هیئت وحدانی من بواسطهٔ پیران کبارؒ توقف روز

فصل ششم

دربیان بعضی نکات وبرخی ازمسائل جذبات
بطوراختصار

اعلم ایها السالک ابقاک اللّٰہ بعدما افناک ان مسائل
الباب کثیرة جداً وانی سلکت اخصر المسالک فی

هذا الفصل ونهاية الاختصار واوردت فى ذيله بعض النكات ايضاً فاقول وبالله التوفيق فلما كثر الكلام والجدال فى الجذبات والصيحات فى الطريقة العلية وقد سنح (١) لى ان الحق (٢) على خلاف ما تقول المتقوّلون فى افواههم فاردت ان اجمع مسائل الباب عن كتب الفحول مع احالة النقول لاصحاب الدراية والعقول لئلا يقع الطالب السالك فى ورطة متقولى الدهر وسفسطة متشيخى العصر وترهات (٣) اهل الخدع والمكر وجمعت هذه العجالة فى مدة يسيرة ولغات عربية ليعلم (٤) ارباب الدرايات ويعلموا اصحاب الغباوات والنكتة الاولى وقد سبق الكلام فى حال المنكر واما اقسامه ما قال الامام اليافعى فى مقدمة روض الرياحين حيث قال والناس فى انكار

---

(١) اى ظهر لى ١٢ منه (٢) مصدر مجرد لا من الالحاق ١٢ منه

(٣) وفى القاموس الترهة كقبرة الباطل والجمع ترهات وترارته ١٢

(٤) من باب علم يعلم ١٢ منه

الكرامات مختلفين فمنهم من ينكر كرامات الاولياء مطلقاًوهؤلاء اهل مذهب معروف وعن التوفيق مصروف ومنهم من يكذب بكرامات اولياء زمانه ويصدق بكرامات الاولياء الذين مضوا كمعروف(١) وسهل(٢)والجنيد(٣)واشباههم فهؤلاء كماقال الشيخ ابوالحسن الشاذلي رحمه اللهتعالى ما هي الا اسرائلية صدقوا بموسىؑ وكذبوا بمحمد صلى الله عليه وسلم لانهم ادركوازمانه ومنهم من يصدق بانّ لله اولياء لهم كرامات ولكن لايصدقون بواحدمعين من اهل زمانه فهؤلاء المحرومون ايضالان من لم يسلم لواحد معين لم ينتفع با حدانتهى كلامه وقد حكم الامام الموصوف على كلهم بالحرمان من طريق الولاية فالحاصل ان المنكر محروم ماذاق لذةالولاية كمافي الحاوى للسيوطي النكتةالثانيةفي حال

---

(١)كمعروف اى معروف كرخى ١٢منه(٢)وسهل اى سهل تسترىؒ١٢منه(٣)والجندى اى سيدالطائفه جنيدالبغدادىؒ١٢منه

من يعادى (۱) الولى قال الشيخ ابو المواهب الشاذلى رضـ من حرم احترام اصحاب الوقت فقد استوجب الطرد والمقت وقال ابن العربى رضـ ان معاداة الاولياء والعلماء العاملين كفر عند الجمهور وتفصيل المقام فى المطالب الوافية والحديقة الندية كلاهما للعالم النحرير والفاضل المتبحر الجامع بين علمى الباطن والظاهر العلامة الفهامة عبد الغنى النابلسى حيث قال فى الحديقة الندية ج ۱ ص ۲۴۱ وانى اختصر منه حاصل المرام وهو ان الانكار فى حق الاحياء والاموات منهم واحد سواء كان بالقلب او باللسان عرفهم المنكر اولم يعرفهم من احوالهم الصحيحة وافعالهم السقيمة عند الله تعالى فهو كفر صريح والمنكر كافر باجماع المسلمين على مقتضى جميع مذاهب اهل الاسلام والتفصيل هناك (۲) النكتة الثالثة فى عقوبة المنكر وان سبق الكلام فيه احالة

---

(۱) من المعاداة بمعنى العداوة (۲) اى فى الحديقة ۱۲ منه

ونذكر هنا كتابةً ويكفى فى عقوبة المنكر على الاولياء قوله صلى الله عليه وسلم فى الحديث الصحيح مَن عَادَى لِى وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالحَرْبِ اى اعلمته انّى محارب له ومن حارب الله لا يفلح ابداً وقد قال العلماء لم يحارب الله عاصيا الا المنكر على اولياء الله وآكل الربوى وكل منهما يخشى عليه خشيه قريبة جداً من سوء الخاتمة ولا يحارب الله تعالى الا كافرا واقل عقوبة المنكر على الصالحين ان يحرم بركتهم قالوا يخشى عليه سوء الخاتمة وقال بعض العارفين من رأيتموه يؤذى الاولياء وينكر مواهب الاصفياء فاعلموا انه محارب لله تعالى مبعد مطرود عن حقيقة قرب الله تعالى كذا فى الفتاوى الحديثية ج ٢ ص ٢٨٥ وكذا فى مجموعة علامة الشامى فى رسالة سل الحسام الهندى النكتة الرابعة رجل من الصوفية دخل فى طريقة عند شيخ من الشيوخ ثم وجد شيخا اصلح منه هل يجوز له الرجوع الى هذا الشيخ لاكتساب الطريقة ام لا: جواب اذا رأى

عندالاخريجوزلـه الـرجوع اليـه لان المقصودهو المعبودلاالمرشدواماالمرشدفهوبرزخ بينه وبين سبحانه بطريق الواسطةولكن لايذكر شيئامن الاول كالغيبة والشماتةواما اذارأى القصورو الفتورمن احكام الشريعةفى شأنه فيجب لـه القطع والمباعدةمن صحبته مثنوى

دست ناقص دست شيطان است وبس

پس بهردستى نبايددادد س

كمـاان الطـالـب فى عـلـوم الظاهران لم يحصـل له مقصوده من عالـم فيذهـب الآخروان كنت شائقا ازدياد التحقيق بتفصيل وبسط واضح فانظرالى مكتوبات حضرت المجددقدس سره فى مكتوب ثلث وستين من حصةالسابع من الدفترالثانى وكذا فى مكتوب احدى وعشرين ومأتين من المجلدالاول من حـصةالـرابع ولاضرورةله ان يـأذن منه فى الاكتساب من الاخروكذلك يجب على الشيخ اذا

رأى شيخاً اخر فوقه ان ينصح نفسه ويلزم خدمة ذلك الشيخ الاخر هو وتلامذته فانه صلاح فى حقه وحق اصحابه ومتى لم يفعل هذا فليس بمنصف ولا ناصح نفسه ولا صاحب همّة بل هو ساقط الهمّة ومحب فى الرياسة والتقدم وهذا فى طريق الله تعالى نقص الا ترى محمدا صلى الله عليه وسلم قال لو كان موسىٰ حيّاً ماوسعه الان يتبعنى والياس وعيسى عليهما السلام تحت حكم شريعة محمد صلى الله عليه وسلم فهكذا ينبغى ان يكون شيوخ هذه الطريقة كذا فى الامر المحكم والحديقة الندية (١) فى الطريقة النقشبندية ص٣٨ وقال الامام عبدالوهاب الشعرانى قدس سره فى المنن الكبرى اذا رأيت احدا منهم (٢) تلمذت له ولو كنت مأذونا واذا كان حال الاشياخ كذلك فماتقول فيمن لم يشم رائحة من اسرار الطريق مسألة فى جماعة صوفية

---

(١) للفاضل الشهير محمد بن سليمان البغدادى النقشبندى رحمه الله تعالى عليه ١٢ منه (٢) اى من المشائخ والكمل ١٢ منه

اجتمعوا في مجلس ذكر ثم إن شخصا من الجماعة قام
من المجلس ذاكرا واستمر على ذلك لوارد حصل له
فهل له فعل ذلك سواء كان باختياره أم لا وهل لأحد
منعه وزجره عن ذلك: الجواب لا إنكار عليه في
ذلك وقد سئل عن هذا السؤال بعينه شيخ الإسلام
سراج الدين البلقيني فأجاب بأنه لا إنكار عليه في
ذلك وليس لمانع التعدي بمنعه ويلزم المتعدي
بذلك التعزير وسئل عنه العلامة برهان الدين
الأبناسي فأجاب بمثل ذلك وزاد أن صاحب الحال
مغلوب والمنكر محروم ما ذاق لذة التواجد ولا صفا له
المشروب إلى أن قال في آخر جوابه وبالجملة
فالسلامة في تسليم حال القوم وأجاب أيضا بمثل
ذلك بعض أئمة الحنفية والمالكية كلهم كتبوا على
هذا السؤال بالموافقة من غير مخالفة أقول وكيف ينكر
الذكر قائما أو القيام ذاكرا وقد قال الله تعالى الَّذِينَ
يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وقالت

عائشة رضی اللّٰه عنها کان النبی صلی الله علیه وسلم یذکر اللّٰه علی کل أحیانه وإن انضم إلی هذا القیام رقص أو نحوه فلا إنکار علیهم فذلک من لذات الشهود أو المواجید وقد ورد فی الحدیث رقص جعفر بن أبی طالب بین یدی النبی صلی الله علیه وسلم لما قال له أشبهت خلقی وخلقی وذلک من لذة هذا الخطاب ولم ینکر ذلک علیه النبی صلی الله علیه وسلم فکان هذا أصلاً فی رقص الصوفیة لما یدرکونه من لذات المواجید وقد صح القیام والرقص فی مجالس الذکر والسماع عن جماعة من کبار الأئمة منهم شیخ الإسلام عز الدین بن عبد السلام کذا فی الحاوی ج ۲ ص ۲۳۴ للعلامة النحریر الشهیر فی الآفاق جلال الدین السیوطی الذی کان مجدداً فی عصره وهو اول من اخترع اصولاً فی علم اللغات وتبلغ تصانیفه الی خمس مائة من الکتاب والرسائل فی الفنون ومنها الحاوی للفتاوی وهو مجموعة شریفة من رسائل

عديدة تبلغ الى ثمان وسبعين نسخة من الرسائل ثم اعلم ان كتب الفقهاء طافحة عن مسائل الجذبات منها فتوى الخيرية للعلامة خير الدين الرملى والطحطاوى على مراقى الفلاح والرد المحتار على الدر المختار والتتارخانية وغير ذلك مما لا تعد ولا تحصى ومن اراد الاطالة فعليه بالمطولات واما كلامهم فمتفق على من كان حركاته كحركات المرتعش وقد نقل الشيخ احمد الطحطاوى الحنفى فى شرحه على مراقى الفلاح شرح نور الايضاح عن التتارخانية حيث فى ص ١٧٣ وفى مجمع الانهر عن التسهيل الوَجدمَرَاتِبُ وَبعضُهُ يَسلُبُ الاختِيَارَ فَلا وَجه لمطلق الإنكَارِ وفى التتارخانية مايدل على جوازه للمغلوب الذى حركاته كحركات المرتعش انتهى كلامه واذا عرفت مطلق الجذبات فكيف تقول ان هذه مختصة فى الطريقة الجشتية او غيرها والحال ان جذبات الجشتية مأخوذة من النقشبندية كما فى

تحفة الزائرين وخزينة الاصفياء ولله در العلامة الالوسي حيث قال في تفسيره روح المعاني في تفسير قوله تعالى وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا الاية في الجزء التاسع من سورة الاعراف في اية ١٥٥ ج ٣ ص ٨٦ طبع مكتبه امداديه من مطابع بلدة ملتان قوله تعالى وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا: إن موسى عليه السلام اختار سبعين رجلاً من أشراف قومه و نجبائهم أهل الاستعداد والصفاء والإرادة والطلب والسلوك فلما أخذتهم الرجفة أي رجفة البدن التي هي من مبادي صعقة الفناء عند طريان بوارق الأنوار وظهوره طوالع تجليات الصفات من اقشعرار الجسد وارتعاده وكثيراً ما تعرض هذه الحركة للسالكين عند الذكر أو سماع القرآن أو ما يتأثرون به حتى تكاد تتفرق أعضاؤهم وقد شاهدنا ذلك في الخالدين من أهل الطريقة النقشبندية و ربما يعتريهم في صلاتهم صياح معه فمنهم من يستأنف صلاته

لذلك ومنهم من لا يستأنف وقد كثر الإنكار عليهم وسمعت بعض المنكرين يقولون إن كانت هذه الحالة مع الشعور والعقل فهى سوء أدب ومبطلة للصلاة قطعا وإن كانت مع عدم شعور وزوال عقل فهى ناقضة للوضوء ونراهم لا يتوضؤون

وأجيب بأنها غير اختيارية مع وجود العقل والشعور وهى كالعطاس والسعال ومن هنا لا ينتقض الوضوء بل ولا تبطل الصلاة وقد نص بعض الشافعية أن المصلى لو غلبه الضحك فى الصلاة لا تبطل صلاته ويعذر بذلك فلا يبعد أن يلحق ما يحصل من آثار التجليات الغير الاختيارية بما ذكر ولا يلزم من كونه غير اختيارى كونه صادرا من غير شعور فإن حركة المرتعش غير اختيارية مع الشعور بها وهو ظاهر فلا معنى للإنكار انتهى كلام الالوسى واذا عرفت ثبوت الجذبات فى الطريقة النقشبندية عن قول العلامة الالوسى من روح المعانى فانظر الى بقية

اما التنافی کتبهم (۱) المعتبرة لان العاقل تکفیه الاشارة منها المکتوبات القدسیات المتداول بین النقشبندیة فی جمیع الاکناف والجهلات للعارف الربانی والغوث الصمدانی حضرت مجدد الف ثانی التی تکاد جمیع ما فیه من الجذبات الی مجلد ضخیم وانی اذکر منها عجیبة من مکتوب ثلث مائة واثنین من المجلد الاول لان القطرة تشد عن البحر وعبارته هکذا این جا باید طلب یدای فرزند ولولۂ عشق وطنطنۂ محبت ونعرہای شوق انگیز وصیحہ ہائ درد آمیز و وجد وتواجد ورقص ورقاصی همه در مقام ظلال (۲) است: انتهی کلامه الشریف ومنها المکتوبات المنسوبة الی الشیخ غلام علی الدهلوی وهو من اجلة اصحاب النقشبندیة حیث ذکر فیها من الصعقات

---

(۱) ای کتب النقشبندیة ۱۲ منه (۲) ظلال: بالظاء المعجمة بمعنی پرتو بالفارسیة لا کما تقول بعض المفالیک بمعنی الضلالة وهو اما منکر واما انطمس بصیرته ۱۲ منه

والصيحات والاضطرابات التى لم تسمع الى الآن
ومنها كتاب حضرات القدس للشيخ بدرالدين
السهرندى النقشبندى وهومن اعاظم خلفاء الامام
الربانى قدس سره وقدذكرفيه انواع الجذبات مما
لاتحصى ومنهابركات احمديةلمولنامحمدهاشم
الكشمى البدخشى وهوايضامن خلفائه العظام قد
اوردفيه من الجذبات والحالات التى لم ترالعيون
مثلهاومنها المقامات المعروفة:بمقامات شاه نقشبند:
وقدذكرفيه من الجذبات والصيحات فى الصلوة عند
حضورخواجه نقشبندقدس سره ومنها رسالةدر
المعارف حيث ذكرفيهااقسام الجذبات فى الطريقة
النقشبندية..........ثم اقول ومن لم يقنع بهذامثلا
فليبك على نفسه وليمت على غيظه ولله در القائل

وان كنت تعلم فذاك مصيبة
وان كنت لاتعلم فالمصيبة اعظم

وقال الشاعرالفارسى

برسر ہر خام طینت نشۂ منصور نیست
ہر سفالی را صدائے کاسۂ فغفور نیست

واما من تمسک بقول محمد بن پیر علی البرکلی صاحب الطریقۃ المحمدیۃ فھو مؤل کما اوّل شارحہ الکبیر العلامۃ النحریر عبد الغنی النابلسی الحنفی فی الحدیقۃ الندیۃ شرح الطریقۃ المحمدیۃ لانہ بمنزلۃ صاحب البیت وھو ادریٰ بما فی البیت حیث قال ج ۲ ص ۵۲۰ صوفیۃ زماننا الا کلھم لان الخیر والشر فی کل طائفۃ من الناس موجود الی یوم القیامۃ ولعل الشیخ رحمہ اللہ تعالی (۱) کان لہ اطلاع علی صوفیۃ مخصوصین موصوفین بما تقدم الخ وکذا قال فی ج ۲ ص ۵۱۲ واعلم ان ھذا کلہ فی طائفۃ من المتصوفۃ (۲) اوصافھم کذلک واحوالھم اخبث من ذلک جعلوا دعواھم التصرف سترۃ لقبائحھم وشبکۃ لتحصیل

---

(۱) المراد بہ الماتن یعنی صاحب الطریقۃ المحمدیۃ ۱۲ منہ

(۲) المتصوفۃ من التفعل کالتغفل والتجھل والتصنع وذلک لایخفی علی من لہ ادنی درایۃ فی التصریف ۱۲ منہ

مصالحهم ولا يخلوا الزمان منهم على كل حال
انتهى وقال ايضافى ج ٢ص ٥٢٣ واعلم ان هذاالذى
سبق ذكره فى المتن من عبارات الفقهاء جميعه فى
حق من ذكرناهم من طائفة متصوفة الله اعلم باعيانهم
فلاتنزله انت فى حق كل من وجدتهم على شبه منهم
وقياس منك لهم عليهم فان الشيطان عدوّمبين
انتهى

بگذرازظنّ خطاا ے بدگمان
انّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْم رابخوان

ثم اعلم ان الآيات والاحاديث وسيرالاصحاب
والتابعين والاولياء طافحة بذكرالجذب والصعق
والخشية والبكاء قال الله تعالى وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا
وقال تعالى لَواَنزَلنَاهٰذَاالقُرْاٰنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَاَيتَهُ
خَاشِعًامُتَصَدِّعًامِن خَشيَةِاللّٰهِ وقال تعالى
مَثَانِيَ تَقشَعِرُّمِنهُ جُلُودُالَّذِينَ يَخشَونَ رَبَّهُم وقال
صلى الله عليه وسلم اَللّٰهُمَّ اِنِّيٓ اَعُوذُبِکَ مِنْ قَلْب

لا يخشع. وقد صح عن بعض الاصحاب الصعق وكثر
التأوه والبكاء الشديدوالاضطراب والضرب على
الارض وامثال ذلك ممايدل على كمال خشوع
القلب قال الشيخ العارف المحقق عبدالوهاب
الشعرانى قدس سره فى كتابه تنبيه المغترين قرأ
عمربن الخطابؓ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ حتى بلغ وَإِذَا
الصُّحُفُ نُشِرَتْ فخرمغشيهاوصار يضرب على
الارض ساعة كبيرة وقرأرسول الله ﷺ ومَا إِنَّ لَدَيْنَا
أَنكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا وكان ورآئه
حُمْرَانَ ابن أَعْيَنَ فخرميتاً وكذاضج المسلمون حين
خطب النبى ﷺ ولم يفهم كلامه ﷺ من كثرة صياحهم
كمافى المشكوة فى باب اثبات عذاب القبرومثله فى
البخارى والنسائى وكان ميمون بن مهران يقول سمع
سلمان الفارسىؓ قارئا يقرأ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ
أَجْمَعِينَ فصاح ووضع يده على رأسه وخرج هائما
لايدرى اين يتوجه مدة ثلاثة ايام فتامل يااخى فى

احوال سلفك فهل غُشي عليك قط عندسماع كلام ربك وقال الشيخ شهاب الدين ابن حجرالمكي في شرح العباب من اسباب الحديث في فصل مايحرم على المحدث قدبات جماعات من السلف يردد(١)احدهم الاية ليلةاومعظمهاوصعق جماعات منهم عندالقرأةومات جماعةبسببها ولماحكى في التبيان عن جمع انكار الصياح والصعق قال الصواب عدم الانكارإلاعلى من اعترف أنه يفعله تصنعاًانتهى اقول والنقول من هذاالقبيل عن السلف الصالح كثيرةوالموافق يكفيه القليل والله يقول الحق وهويهدى السبيل (تفريع) واناشاهدناكثيرامن المجاذيب الذين يفتحون لم اخطأفى القرأةوهذايدل على ثبوت عقولهم فلذا لايطلق عليهم بالجنون لان المجنون هوالذى سلب عنه العقل والاختيار معاًوهذاالفرق جيّدبين المجذوب والمجنون واما من سلب عنه العقل والاختيار

(١)اى يكرر ١٢ منه

فلا یعتبر عند المشائخ لانه لا یدری ماتعلمه الشیخ ویسمی عندهم المجذوب الابتر وهو الذی ینظر الیه ولا یقتدی علیه کما قال العارف الرومی

روز صد دل بجوز یشان نظر

تابع ومنکر مشو ای بے خبر

ومن ثم حکم الفقهاء کالمرتعش لان المرتعش ذهب عنه الاختیار دون العقل فکذا حکم العلامة الالوسی مصنف روح المعانی وابن حجر المکی فی فتوی الحدیثیة فی باب التصوف وصاحب الرشحات فی عدم انتقاض وضوئهم ومن اثبت دونه فعلیه ان یحکم اولاً بالمرتعش والعاطس واصحاب الحُکّةِ ومن به السعال الدائم لانهم کذلک سلب عنهم الاختیار دون العقل فماحال المجذوب العاشق فَرَدٌ للراقم

گر فرق مراتب نه کنی مکفوفی(۱)

در روز جزا نزد خدا مکشوفی

---

(۱) مکفوف نابینا ۱۲ منه

وان کنت تقول فی زعمک انه یتوضؤ ثانیا ویستأنف الصلوة مرة اخریٰ فقد اخطأت فیما تقولت لان الحالة طارية عليه وجارية لديه فیلزم التسلسل وهو باطل عند ارباب العقول وتمرّ اوقات الصلوة عند اصحاب النقول(۱) فاللازم علیک ان لاتتفوه لدی الفحول فاقول وبالله التوفیق والله یهدی من یشآء الی صراط مستقیم

فصل هفتم

در بیان بعضی نعتها واشعارها از راقم الحروف منجمله مخمسات برنعت حضرت جامیؒ

(۱)

کی بود روزیکه یارب دیدن مولاکنم

دربیابان مدینه خویش راشیداکنم

شعرجامی مبارک برزبان آشناکنم

(۲) ای اصحاب الشرع ۱۲ منه

کی بود یارب که رود رطیّب (۱) و بطحٰی کنم
گه به مکه منزل و گه در مدینه جا کنم

(۲)

جبهه‌سائی ها کنم در باب اعلی یکدمه
طوف درگاهش نموده اسفل و اعلٰی همه
آستانش مرکزِ خوبانِ عالم شد همه
بر کنار زمزم از دل بر کشم یک زمزمه
وز دو چشم خون فشان آن چشمه را دریا کنم

(۳)

روسیه رسوائ عالم کرده ها بس منفعل
عمرها کردم عبث در گفت و گوی قال و قیل
عاجز و زار و ضعیفم آمدم سویت خجل
آرزوئ جنت المأوٰی برون کردم ز دل
جنتم این بس که بر خاکِ درت مأوٰی کنم

(۱) علامه شیخ الهند عبدالحق دهلوی در جذب القلوب نوشته که یثرب نام قبل از اسلام بود اکنون گفته نشود و طیبه نیز از اسماء آن می باشد والعهدة علیه ۱۲ منه

(۴)

بادشاہ ملک معنی دردوعالم پیشوی
نکتۂ خُلقِ عظیم آمدتراخُلقِ صفا
میکنندتکرار نعتت عاشقان بااین ندا
یارسول اللّٰہ بہ سوئے خودمراراہی نما
تازفرق سرقدم سازم زدیدہ جاکنم

(۵)

سکۂ دینِ توآمدنوردِل افروزشد
جہل وظلمت رفت ویکدم عالمی چون روزشد
آستان بوس شریفت ہرکجامعزوزشد
صدھزاران دی درین سودامراامروزشد
نیست صبرم بعدازین امروزرافرداکنم

(۶)

وصف اوصاف تودارد بلبلان دربوستان
خاتم ختمِ نبوت صاحب عزّونشان
آرزومندِدرت گوید ندا باین زبان

خواهم ازسودائ پابوست نهم سردرجهان
یابپایت سرنهم یاسردرین سوداکنم

(۷)

ای صبامیگوسلامم زانکه دارم خستهٔ
کی رسم خاک مدینه تابگویم عرضهٔ
بلغیٔ بیچاره ام دربندعصیان غرقهٔ
هردم ازشوق تومعذورم اگریک لحظهٔ
جامی آسانامهٔ شوق دیگرانشاکنم

مخمساتِ دیگر براشعار حضرت امیرخسرو (۱) دهلوی رحمة الله علیه

(۱)

برسرکوه فنارفتن مرادشوارنیست
شورشِ جذب وجنون دارم بعالم کارنیست

---

(۱) اصلش ازقوم هزاره وازخطهٔ لاچهن میباشدکه درین زمان نهرین گویندوآن حصه ایست ازتوابع بغلان باالاخره دردهلوی نشوونمایافته رهم درآنجامدفون شدتحقیقش ازشراغ انجمن وسفینهٔ داراشکوه بایدطلبید ۱۲ منه

(۱)

پیرخسرو راشنودم حاجت گفتار نیست
کافر عشقم مسلمانی مرادر کار نیست
هررگ من تار گشته حاجت زنار نیست

(۲)

پیرارچی وخراسان می بردسوئ حبیب
مامریدان اوباشیم بشنوای مردِنجیب
یادکن این گفتۂ خسروکه میباشدعجیب
ازسربالینِ من برخیزای نادان طبیب
دردمندعشق رادارو بجزدیدار نیست

(۳)

مرشدا دادی نشان ونکتۂ پُرکارعشق
برسرم باریده ایندم لالۂ گلزارعشق
پیرخسروخوش نموده بردرودیوارعشق
شادباش ای دل که فردابرسربازارعشق
وعدۂ قتل است گرچه وعدۂ دیدارنیست

(۴)

ما علیل و دردمندیم حاجت گفتار نیست
رنج و غم از حد فزوده شعر من اشعار نیست
خسرو می کن توجه بر سرم افکار نیست
ما غریبان را تماشائ چمن در کار نیست
داغهائے سینۂ ما کمتر از گلزار نیست

(۵)

زاهدا تا کی تو داری نکتۂ مارا تلاش
گر سر ذوقی نداری دور شو اینجا مباش
گفته خسرو این سخن بهر تو ای مردمباش

(۶)

بعضی میگوید که مارا خود پرستی میکند
یک دل صادق ندیدم که درستی میکند
بلغمِ بیچاره اینجا دل درستی میکند
خلق میگوید که خسرو بُت پرستی میکند
آری آری می کنم با خلق عالم کار نیست

برخی ازمسدِّسات درصفت

حضرت مرشدنا آخندزاده صاحب سیف الرحمن قدس اللہ سرہ المنان

(۱)

اے مبارک ازقدمت این درودیوارِ ما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِ ما
پیردانائے مبارک هم سروسردارِ ما
رهروِشرعِ محمدؐ ازتوروشن کارِما

(۲)

شمعِ فانوسِ خردپروردۀ خاص زمان
قطب وقیوم زمانی برسریرِ عاشقان
مشعلِ اهلِ خودبرترزچرخ آسمان
میکنندتکراروصفت عاشقان بااین زبان
اے مبارک ازقدمت این درودیوارِ ما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِ ما

(۳)

منبع فیض و فتوت ہر مقام عبدیت
ھادئ راہ طریقت چون سماراشمسیت
روشن اند از محبت چہار اکناف وجہت
شدمریدانت بعالم چون فلک رانجمیت
اے مبارک ازقدمت این درودیوارِما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

(۴)

درمحبت شدفنایت آنکه دارد عزم تو
میرسدفیض وفتوحش آنکه دارد جزم تو
سرِّاین معنی نه داند آنکه دارد گفتگو
بلغئ بیچارہ دارداین ندا را آرزو
اے مبارک ازقدمت این درودیوارِما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

(۵)

غُنچۂ باغ فتوت رہ نمائی سالکان

پرتوجذب وجنون داری بعالم این زمان
این مُعَمّا حل نگرددازفریدوازفلان
جزطریق سیفیه دیگرنمیدارم گمان
اے مبارک ازقدمت این درودیوارِما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

(۶)

ناقصان راپیرکامل دردیارماتوئی
کاملان رارهنمابرجادهٔ اعلیٰ توئی
میکنم اِنشاءِ وصفت عارف یکتاتوئی
میزنم افشابعالم عشق راموﻻتوئی
اے مبارک ازقدمت این درودیوارِما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

(۷)

شدمریدانت درتصرّف هرکجا
هم طَيِّ بحرِمعارف هم تَوَلّاباشما
چین وچترال جهان داردبگوشم این ندا

پیشوائے قربان مهدی نقشبندانِ صفا

اے مبارك ازقدمت این درودیوارِ ما

وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِ ما

(۸)

برسرِقرن چهارم بَعْدَاَلف مَامَضٰی

سربرهنه درتهۂ نسیانِ دارم این ندا

جاه نشین بایزیدوخرقانی فیوض ای شها

هم زسر هندشریف داری فیوض باصفا

اے مبارك ازقدمت این درودیوارِ ما

وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِ ما

(۹)

من نمی گویم سخن بل آشناگویدبگو

طوطیِٔ باغِ ترنّم باندا گوید بگو

بلبلِ باغِ تبسّم باصفا گوید بگو

رمزواسرارش چه داندبلخی دیوانه خو

اے مبارك ازقدمت این درودیوارِ ما

وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

(۱۰)

عندلیب مامضی داردسخن ازخوئ تو
رهروِراه صفادار دسخن ازخوئ تو
ساقیٔ بزمِ فنادار دسخن ازخوئ تو
جمله صدقنا کشوده برسریرِ کوئ تو
اے مبارك ازقدمت این درودیوارِما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

(۱۱)

بلغیا رمزِکلامت میبردسوئ دیگر
نیست صبرم بعدازین ای دیدۂ نورِبصر
میکنم تشهیرعالم می نویسم این گوهر
برمقام عبدیت کردی بعالم این اثر
اے مبارك ازقدمت این درودیوارِما
وی مزین ازوجودت جملگی اسرارِما

فی المثنویات من الراقم بمضمون قوله ﷺ حُبُّ الدُّنیا

رَأسُ كُلِّ خَطِيَّةِ الحديث ومن العجيبة استنباط اسم
مرشدنا قدس سره العزيز
من اوئل القطعيات من حروف الهجاء

(ا) ای قلم می گو سخن اززیروبم
هم رموز قصه هائ جامِ جم

(م) ازمن ومابگذرو دیوانه شو
درگروه عارفان مستانه شو

(خ) خرمنِ هستی که داری جانِ من
آتش وبادصبا یکدم بزن

(ن) ننگ ونام وجاه این دنیائ دون
می برد درسلک أَنْتُمْ غَافِلُوْن

(د) درد وسوز عشق می گویدخبر
أُتْرُكِ الدُّنْيَا بخوان شام وسحر

(ز) زال دنیارا بکن یکدم طلاق
تارهی ازورطهٔ رنج ونفاقِ

(ا) ازخدا شرمی نداری وازرسول

حُبِّ دنیا کردہ ازغولان غول

(د) دین تو دینار تو گشته مدام

اسفل واعلیٰ ندانی زین مرام

(ہ) هرزه گوئی می کنی ای بوشرر

کفرواسلام ازتو میگوید خبر

(ص) صحبت مردان حق میکن دمی

تارسا نندت مقام آدمی

(ا) ای قلم تاکی تو در بحرِ خموش

سربکن آوازنای وجذب وجوش

(ح) حرفها بشنوروازپیر کهن

تاشوی فانوس وشمع انجمن

(ب) برفگن این ننگ ونام وصدهوس

آرزوئ تره وفوم وعدس

(س) سرِّ وحدت ازمقام عاشقان

بازمی جو گرتراعقل است وجان

(ی) یک دوسه روزی بکن تعلیم عشق

درمدارس هائ جان تفهیم عشق
(ف) فرقهابینی سراسرآن زمان
ازرقوم وجذب وجوش عارفان
(ا) آرزوئ دل نماند ای جوان
گرشوی همرازآن صاحب قران
(ل) لاشوی درصحبتش عین الزمان
زمقام هستی وعیب وزیان
(ر) راه ورسمِ عاشقان این است وبس
نی به چلتار وملنگی وجرسِ
(ح) حرف بلخی بشنوومستانه باش
درحضوراهل دل پروانه باش
(م) من که بودم زاهدوتقوٰی فروش
هستم اکنون درطریق جذب وجوش
(ا) آنکه ازپیری ندارداین نشان
سنگِ استنجاءِ شیطانش بخوان
(ن) نافهٔ مشکِ ختن دارداثر

چین وچترال جهان ازوی خبر

اعلان

واجب الاظهار منجانب مؤلف عفی عنه

بدانکه قبل ازین رسالۂ نوشتتم بلسان عربی مسمی به همین نام یعنی.معمولات سیفی.که مقتبس است ازنام گرامی حضرت مرشدنامیباشد ازقضاء خداوند کردگاروحوادث روزگارکه در افغانستان عزیزمتعاقب الوقوع رخ نموده که تمام کرۂ جهان وجهانیان معلوم ومشهوراست آن مجموعۂ شریفۂ بمضمون:

هرکه سخن رابه سخن ضم
کندقطرۂ خون رازجگرکم کند

نوشته بودم دران دیارمصیبت زده درخاك وخون یکسان شدنسئل اللهان یقطع دابرالاشتراکیین من ارض الافغانستان آمین آمین لاارضی حتی اقول الف آمیناواین عجالۂ نافعه که به جهت هول شکن و تسلی بخش مناب آن تسطیرشدشاخه ایست از شاخهائ بروج

آن وترجمه این رساله بلسان پشتو یا اردو و سائر السنه ازطرف مؤلف اجازهٔ عام وتام است اما طبع همین نسخه فارسی نگارش یافته برائے هیچ کسی اجازهٔ طباعت نیست مگر باین شروط ثلثه دستخط مؤلف ومهرو تاریخ سنه طبع در مرتبهٔ ثانی وثالث الی اخره وهرکه خودسرانه باین امراقدام نمایددربدل نفع ضررخواهد دیدو مطابق شرع شریف خائن وسارق شمرده مجازات خواهدشد والله اعلم بحقائق الامور کلها

فصل هشتم

دربیان خلفآء حضرت مرشدناقدس سره العزیزبدانکه تعدادخلفآء ایشان بطوریکه لازم است ازنظرراقم الحروف سپری نشده ازجهت آنکه دردیارمختلف سکونت دارند مانندااقلیم بدخشان وتوابع رستاق وچاه آب ومضافات طالقان وسائربلادقطغن وخطهٔ مزارشریف ودیارمیمنه وسرزمین هرات وملک قندهاروقسمت کابل وننگرهار وصوبه سرحدمانند نوشهره ومردان وچارسده وصوابی

وغیره ازمُدنِ مختلفهٔ آن دیارلذابرخی ازاسماء ایشانان بقدرحفظ الحال تذکرمیشودوآنانکه ازقیدقلم فراموش شده اند ازین کمینه زبان شکایت بازدارندودربدل آن اَلْعُذْرُعِنْدَكَرِيْمِ النَّاسِ مَقْبُوْلٌ درنظردارنداما تعدادآنانکه اجازهٔ مطلق دارندقرارذیل است

(۱)مولوی نجم الدین صاحب شیخ الحدیث والفنون ازارچی

(۲)مفکراسلام ابوالفضائل عبدالحی غزنوی حال باشنده حضرت امام(۱)رحمه اللّٰه من شر اللئام

(۳)حضرت روحانی صاحب معروف به همین اسم است توابع ارچی

(۴)مولوی یارمحمدعرف مولوی یارمحمدصاحب کلان دفتانی ازارچی

(۵)مولوی محمدحسین صاحب عرف شیخ مولوی صاحب ازخانه آبادقندوز

---

(۱)حضرت امام قندوز که درقدیم الایام بنام ارهنگ مشهوربودودرآن خطه دیهی است مسماه به مهجرجناب ایشان ازان موضع میباشدعفاالله عنه وعن اسلافه ومحبیه ۱۲

(۶)مولوی محمدیوسف صاحب عرف داملامحمد یوسف ازپخل سوزفاریاب

(۷)مولوی ابراهیم ننگرهاری عرف مولوی همیم صاحب ازننگرهار

(۸)مولوی عبدالله صاحب عرف مولوی صاحب سرخ رود ازلغمان

(۹)مولوی نصرالله صاحب نیشگامی ازتوابع اسمار

(۱۰)مولوی خیرمحمدصاحب ازکته قلعهٔ فاریاب قوم تیمنی

(۱۱)اخندذاده صاحب هدایت الله ازجرگذرقندوز

(۱۲)داملادادرازقریهٔ سرغارتواب رستاق

(۱۳)عبدالقدیراستادعرف نورانی صاحب ازخان قلعهٔ لغمان

(۱۴)داکترمحمدصدیق ازبتی کوت عرف نادرکوت ازننگرهار

(۱۵)راقم الحروف یعنی نگارندهٔ این اوراق شهرت

بملائ بلخی ازقریۀ شیخ تاش تیمورامُ البلاد بلخ
(۱۶)مولاناسراج الحق عرف صاحب حق صاحب
ازنوی کلی تحصیل صوابی
(۱۷)مولوی صاحب گل زاده ملاغزنی
(۱۸)خلیفه امان گل ازباجوڑحصه کوټکی
(۱۹)مولانانورمحمددوبندی ازلوگرعرف خلیفه
صاحب دوبندی اللهم اغفرلناوارحمناوحشرنافی
زمرة الصالحین وباعدبینناوبین الطالحین وآنچه از
خلفآء مقیدایشان تذکرمیشودااین است
(۲۰)فاضل دیوبندوشیخ الحدیث مولاناعبدالعزیز
کلان ازشرین تگاب فاریاب
(۲۱)مولوی صاحب عبدالغفورازصیادازشرین تگاب
فاریاب
(۲۲)مولوی عمادالدین ازگرزوان فاریاب
(۲۳)مولوی غلام رسول صاحب عرف مولوی
خلیفه ازفرخار تخار

(۲۴)مولوی عبدالمجیدصاحب ارزاهان عُلْیَاازتوابع رستاق

(۲۵)مولوی عبدالحکیم بدخشی خلیفه درچشتیه ازجناب مرشدنا

(۲۶)مولوی نورالدین صاحب ازکشندی بالاتوابع بونی قره

(۲۷)مولوی محب الله صاحب ازدرزاب میمنه

(۲۸)مولوی صاحب امیرگل صاحب ازکابل

(۲۹)مولوی محمدامین صاحب ازخواجه پسته خانه آباد

(۳۰)مولوی شربت گل صاحب لغمانی

(۳۱)مولوی صاحب غلام الرحمن برادراصغر مرشدناقدس سره

(۳۲)صاحب الحق محمدسعیدجان خلیفة مرشدناقدس سره

(۳۳)صاحب الحق محمدحمیدجان خلیفه مرشدنا قدس سره

(۳۴)مولوی صاحب منظر حسین ازیار حسین
تحصیل صوابی
(۳۵)مولوی مختار علی شاہ صاحب ازناحیہ بال
تحصیل صوابی
(۳۶)مولوی عبدالرؤف صاحب ازناحیہ پیر سباق
(۳۷)مولوی نواب شاہ صاحب مدرس ڈاگی تحصیل
صوابی
(۳۸)مولوی عمر علی شاہ ازمانکی تحصیل نوشہرہ
(۳۹)مولوی نجم الدین صاحب تحصیل صوابی
(۴۰)مولوی لعل الرحمن صاحب ازشبقدر قریہ مٹہ
تحصیل چارسدہ
(۴۱)مولوی عبدالزراق صاحب ازریاستِ دیر علاقہ
جندول
(۴۲)مولوی وزیر صاحب قندھاری ازارچی
(۴۳)مولوی صاحب یار محمد دفتانی ازارچی عرف
مولوی یار محمد خورد

(۴۴)مولوی محمدصادق صاحب ازپل خمری
(۴۵)مولوی انصارالحق صاحب ازنهرین قریهٔ برقی
(۴۶)مولوی محمدافضل صاحب ازنهرین قریهٔ برقی
(۴۷)مولوی عبدالله صاحب ازامبارخانه ازننگرهار
(۴۸)مولوی عبدالظاهر صاحب ازامبارخانه از ننگرهار
(۴۹)مولوی غلام محمدصاحب ازخانقاه رستاق
(۵۰)مولوی صاحب محمدیونس ازکوت نگرهار
(۵۱)مولوی صاحب عبدالحق برادرازکوت ننگرهار
(۵۲)مولوی عبدالوارث ازچهل ستون کابل
(۵۳)مولوی عطاء الله صاحب ازخان آباد قندوز
(۵۴)مولاناعبدالله منوری عرف مولاناساعت سازاز مزارشریف
(۵۵)مولوی صاحب فدامحمدازارچی
(۵۶)مولوی عبدالحمیدصاحب هروی ازقریهٔ کلان غوران ولسوالی گذره .

(۵۷)مولوی نیک محمد صاحب دلیلی رامکی غزنوی

(۵۸)مولوی رحم الله تهکالی فاضل دیوبند از پشاور

(۵۹)مولوی عبدالظاهر صاحب ازلوگر ازره

(۶۰)مولوی صاحب محمدخان ازجرقدوق فاریاب

(۶۱)مولوی محمدعظیم صاحب زدران ازارچی

(۶۲)مولوی طور صاحب قندهاری ازارچی

(۶۳)مولوی جلال الدین صاحب ازخواجه غار تخار

(۶۴)مولوی عبدالرؤف صاحب ازدشت قلعه

(۶۵)مولوی عبدالحمید درقدی

(۶۶)مولوی عبدالکریم صاحب ازټپکال لغمان

(۶۷)مولوی صاحب محمداسماعیل بی سودی ننگرهار

(۶۸)مولوی صاحب عبدالخالق مرحوم شهیدازمانده اشکمش تخم صفی عفی عنه الغفار

(۶۹)مولوی صاحب عبدالقدوس ازاشکمش تخار

(۷۰)مولوی صاحب عبدالقدوس فعلاخطیب شهرارچی
(۷۱) مولوی صاحب میرهایوخان زدران ازگیان
(۷۲)مولوی صاحب عنایت الله مرحوم ازچارده ننگرهار
(۷۳) مولوی صاحب فتح شاه صاحب ازعبدالخیل شینواری
(۷۴) مولوی صاحب عبدالحلیم ازوردگ
(۷۵) مولانا حمدالله جان ڈاگوی مؤلف البصائرضلع مردان
(۷۶) مولوی صاحب رحمت الله ازارچی
(۷۷)مولوی صاحب سیف الله عرف مولوی جرنیل ازعبدالخیل شینواری
(۷۸)داملا(۱)اسماعیل ازشیرین تگاب فاریاب

(۱)این لفظ مروج ماوراء النهرمیباشدهم چنین مولوی عرف هندوستان وملاعرف افغانستان وشیخ عرف عرب وافندی عرف رومیهافافهم ۱۲منه

(۷۹)داملاصاحب محمدنورازلاله گذرینگی قلعهٔ ازتخار

(۸۰) داملاصاحب محمدحسین ازکول رستاق

(۸۱) داملاصاحب سراج الدین ازقوچ نهال سمنگان

(۸۲) داملاصاحب محمدعظیم ازشوراب سمنگان

(۸۳) داملاصاحب شیخ محمودازقوچ سمنگان

(۸۴)داملاصاحب شاه زمان ازکشندی توابع بونی قره

(۸۵)داملاصاحب محمدنادرازکشندی توابع بونی قره

(۸۶)داملاصاحب احمدنظرازکشندی توابع بونی قره

(۸۷)داملاصاحب محمدعیسی ازدرزاب میمنه

(۸۸)داملاصاحب خان محمدازسردره فاریاب

(۸۹)داملاصاحب محمدرسول سمنجانی عسقلانی ازقندوز

(۹۰)داملاصاحب عبدالواحدآلچینی سمنجانی

(۹۱) داملا صاحب حبیب الله از کولیان فاریاب

(۹۲) داملا صاحب حمید الله از کولیان فاریاب

(۹۳) داملا صاحب عبدالغفور از کولیان فاریاب

(۹۴) داملا صاحب اسماعیل از سرغار رستاق

(۹۵) داملا رحمت الله از تنار

(۹۶) داملا محمد آمین از شیرین تگاب فاریاب

(۹۷) ملا کرم قندهاری ازارچی

(۹۸) ملا محمد اکرم قندهاری ازارچی

(۹۹) ملا بهرام قندهاری ازارچی

(۱۰۰) ملا عبدالغفار قندهاری ازارچی

(۱۰۱) ملا عبدالرحیم ملا غلام حسن

(۱۰۲) ملا عبدالحلیم از سرچکان فاریاب

(۱۰۳) ملا عبدالمنان

(۱۰۴) ملا خان محمد نخعی ازارچی

(۱۰۵) ملا حبیب الله قندهاری ارچی

(۱۰۶) ملا عبید الله آخند ازارچی

(۱۰۷)ملاخان سعید آخنداز ارچی نهر کهنه
(۱۰۸)ملا محمد رسول قندهاری ازارچی
(۱۰۹)ملا محمد کاظم از نهرین
(۱۱۰)مرحوم ملا صاحب زاهان عُلیا والد مولوی صاحب عبدالمجید غفرالله‌له
(۱۱۱)ملا محمد صدیق از برقی نهرین
(۱۱۲)ملا سید عمر بدخشانی خلف مولوی عبدالحکیم مذکور
(۱۱۳)ملا حبیب الرحمن از دِه بالا جبل السراج غفرالله‌له
(۱۱۴)ملا محمد ابراهیم از جرگزر قندوز
(۱۱۵)ملا علی احمد از نویان قندوز
(۱۱۶)ملا شهسوار از نویان قندوز
(۱۱۷)ملا عبدالقدوس از جرگذر قندوز
(۱۱۸)ملا بسم الله از ریگ روان کوهستان
(۱۱۹)ملا محمد آمین آلچینی عرف وزیر صاحب

(۱۲۰)ملا عبدالقدوس از تکاب

(۱۲۱)ملا حضرت گل عرف ملا بزرگ از جرگذر

(۱۲۲)ملا عبدالحکیم از اسماعیل حضرت امامؒ

(۱۲۳)ملا غلام از شیرین تگاب رفاریاب

(۱۲۴)ملا عبدالستار از پنحال سوزفاریاب

(۱۲۵)ملا معراج از کول رستاق

(۱۲۶)ملا محمد آمین لغمانی عرف پاچا

(۱۲۷)ملا محی الدین از قلات

(۱۲۸)ملا پشاوری از گیان زدران

(۱۲۹)ملا نظر محمد از دشت قندهاری علی اباد قندوز

(۱۳۰)ملا عبدالله از شاهان بدخشان

(۱۳۱)ملا محمد حبیب کوچی از گولائی ننگرهار

(۱۳۲)ملا محمود تهکالی از پشاور خطاط این رساله

(۱۳۳)ملا عبدالکریم از تیره قندهار

(۱۳۴)ملا ارشاد علی از رژ چارسده

(۱۳۵)ملا سلطان پاچا دیری

(۱۳۶)ملا خدایدوست از مزار شریف
(۱۳۷)ملا محمد شاه از عبد الخیل شینواری
(۱۳۸)ملا محمد نعیم از زرخرید قندوز
(۱۳۹)ملا نور الرحمن از امبارخانه مشرقی
(۱۴۰)ملا مقبول الرحمن از اکوڑی
(۱۴۱)ملا بسم الله از زرخرید قندوز
(۱۴۲)ملا عبد المحمد کوچی از سنگر ننگرهار
(۱۴۳)ملا محمد نور از نیشگام اسمار
(۱۴۴)ملا فقیر از کوت شُهرت کوت ملا
(۱۴۵)ملا حبیب احمد عرف تاروگی خان از سوات
(۱۴۶)ملا علی احمد از درونته مشرقی
(۱۴۷)مفتی صاحب کاکائی موصوف ماقبل الذکر
(۱۴۸)ملا سید حبیب از کوت مشرقی
(۱۴۹)ملا علی محمد از کوت مشرقی
(۱۵۰)ملا وکیل از کوت مشرقی شهرت نازیان ملا
(۱۵۱)ملا محمد آمین از سنگر لغمان

(۱۵۲) ملا عبدالرحیم ازسنگر لغمان

(۱۵۳) ملا محی الدین

(۱۵۴) ملا عجب گل پڑوانی لغمان

(۱۵۵) ملا عبدالقدوس ازغولبیان گرزوان فاریاب

(۱۵۶) ملا عزیزالله از پنحال سوز فاریاب

(۱۵۷) ملا عبدالله از پنحال سوز فاریاب

(۱۵۸) ملا محمدانور از لوگر

(۱۵۹) ملا محمد حسین خان آبادی

(۱۶۰) ملا نور محمد نیشگامی اسماری

(۱۶۱) ملا مضراب از پابوس حضرت امام قندوز

(۱۶۲) ملا عبدالحکیم از گل پتۀ حضرت امام قندوز

(۱۶۳) ملا محمود درزآبی فاریاب

(۱۶۴) ملا پاینده محمد از بلند غربیسود ننگرهار

(۱۶۵) ملا خاشسته خان مرحوم غفرالله له

(۱۶۶) ملا نور محمد مرحوم ازارچی غفرالله له

(۱۶۷) ملا محمد ظریف فاریابی

(۱۶۸)عبدالخالق زدران ازگیان

(۱۶۹)ملاکرمی ازگیان زدران

(۱۷۰)ملامیرعلی ازگیان زدران

(۱۷۱)ملاعبدالعلیم ازارچی

(۱۷۲)ملافضل قادرعرف ارباب ازارچی

(۱۷۳)ملاحبیب الرحمن مرحوم از ارچی غفرالله‌له

(۱۷۴)ملامحمدصادق برادرمرشدناقدس سره

(۱۷۵)ملادادمحمدازپنغال فاریاب

(۱۷۶)ملاغلام نبی ولدملاغمی اززرخریدقندوز

(۱۷۷)ملامرحوم میرعبدالغفورغفرالله‌له ازپلخمری

(۱۷۸)ملامیاصاحب ملاجمعه خان ازپیخهٔ شینوار

(۱۷۹)ملانیک محمدازبهارك طالقان

(۱۸۰)ملامحمداکرم ازآیخچال حضرت امامؒ قندوز

(۱۸۱)ملازمان شاه ازارچی

(۱۸۲)ملاحبیب الله‌قندهاری فعلاً درالفشین کویته

(۱۸۳)ملامحمدعثمان ازدرزآب فاریاب

(۱۸۴)ملا عنایت الله ازنیشگام اسمار
(۱۸۵)ملا عبدالغفار از حسن تال بغلان
(۱۸۶)ملا عبدالحی از نهر جدید ارچی قوم قنقرات
(۱۸۷)ملا عبدالستار از درواز بدخشان
(۱۸۸)ملا عبدالظاهر از ماندرهٔ اشکمش
(۱۸۹)ملا عبدالرحمن از ماندرهٔ اشکمش
(۱۹۰)ملا غلام حیدر رستاقی
(۱۹۱)عبدالقادر از هوارسائ
(۱۹۲)ملا جمعه طبیب از قریهٔ قورغان اندخوی قوم ترکمن
(۱۹۳)قاری حبیب الله ازقورچی سرچکان ازفاریاب
(۱۹۴)ملا عبدالقیوم از گرزدان فیاریاب
(۱۹۵)قاری ابراهیم ازدرزآب فاریاب
(۱۹۶)قاری خیر محمد ولد میرزا عرف قاری ابوالخیر ازگمزان چاه آب
(۱۹۷)قاری محمد ابراهیم از کشندی

(۱۹۸)قاری گل ازچارده ننگرهار
(۱۹۹)حافظ محمد نواب ازپرملوتحصیل صوابی
(۲۰۰)قاری عبدالمجید از سمنگان
(۲۰۱)قاری غلام حیدر ازتغار
(۲۰۲)قاری محمدکریم اززارچی
(۲۰۳)حافظ اسرارالله بی سودی
(۲۰۴)حافظ نذیربی سودی
(۲۰۵)قاری محمدایوب ازقذوق رستاق
(۲۰۶)سید جعفراغاازکنڑها
(۲۰۷)سیدمحمدحسن ازخانقاه درزآب خادم خانقاه
مرشدناقدس سره
(۲۰۸)سیدعبدالقیوم مجذوب عرف سیدچمن
ازکشندی عُلیا
(۲۰۹)سیدعبدالقهارازکشندی عُلیا
(۲۱۰)سیدرحمت الله اغاازدیهی دره صوف
(۲۱۱)سیدعزیزالله مجذوب رستاق

(۲۱۲)سید داؤد آغا از آقا علی شمس کابل
(۲۱۳)سید ضیاء الدین رستاقی حال باشندهٔ کولدامن
(۲۱۴)سید احمد شاه از شاه شهید کابل
(۲۱۵)سید عمر آغا از برکی کابل
(۲۱۶)سید عیسی خان از درزاب فاریاب
(۲۱۷)سید عتیق شاه از صدر پشاور
(۲۱۸)سید فاضل شاه از پیر سباق تحصیل نوشهره
(۲۱۹)سید اکبر پاچا صاحب از بی سود مشرقی
(۲۲۰)سید نور محمد زاهانی از رستاق
(۲۲۱)سید محمد آمین از چاردره قندوز
(۲۲۲)مولوی سید نور علیشاه جیلانی از تاروجبه
(۲۲۳)سید غلام حبیب پاچا از یار حسین
(۲۲۴)سید سیف الرحمن از جلگهٔ چاه آب فعلاً ساکن

خواجه بهاؤالدین درقد

(۲۲۵)و برادر سید مذکور
(۲۲۶)سید عبیدالله کنری

(۲۲۷)مخدوم محمدطیب ازستمي چاه آب فعلاًساکن
حضرت امام
(۲۲۸)مخدوم ضیاء الدین ازشهربزرگ
(۲۲۹)مخدوم محمدحسین خلف مولاناصاحب
باجوڑی ازارچی
(۲۳۰)مخدوم نقیب احمدازماندره ازشکمش
(۲۳۱)مخدوم دوست محمدازموسین گران رستاق
(۲۳۲)وبرادرمذکور
(۲۳۳)مخدوم عبدالحی ازدرآب فاریاب
(۲۳۵)آخندزاده سعیدالدین ازده ملاغزنی
(۲۳۶)صاحب الحق امین الحق ازنوی کلی تحصیل
صوابی
(۲۳۷)صاحب الحق نورالاکبر
(۲۳۸)مخدوم راغی ازایوربالانامش ازراقم الحروف
نسیان شده فعلاساکن خواجه بهاؤالدین
(۲۳۹)صوفی فقیرمحمدازشهروان ارچی

(۲۴۰)صوفی مکرم خان ازدره بیچ
(۲۴۱)صوفی غلام علی ازایوربالاازبدخشان
(۲۴۲)صوفی محمدظاهرازامبارخانه ننگرهار
(۲۴۳)صوفی عبدالقیوم مجذوب ازارچی
(۲۴۴)صوفی گل محمدازامام صاحبؒ
(۲۴۵)صوفی گل محمودازارچی
(۲۴۶)صوفی غلام محمدازدفتانی ارچی
(۲۴۷)صوفی شیخ احمدازشیرین تگاب میمنه
(۲۴۸)صوفی محمدکریم از شیرین تگاب میمنه
(۲۴۹)صوفی ساعت سازبرادر مولانا عبدالله منوری
(۲۵۰)صوفی محمداسراراز امام صاحبؒ قندوز
(۲۵۱)صوفی عبدالرازق ازکولدامن امام صاحبؒ
(۲۵۲)صوفی بادام عرف نوخارخان ازنوشهره پشاور
اباخیل
(۲۵۳)صوفی شیری خیل ازعبدالخیل شینواری
(۲۵۴)صوفی رحمت خان ازدره پیچ کنرها

(۲۵۵)صوفی میرآغا ازننگرهار ریگ شاه مردان

(۲۵۶)صوفی زینت الله ازننگرهار

(۲۵۷)صوفی جمالدین عرف ملنگ آلچین ازقندوز

(۲۵۸)صوفی محمود از ایچکلی امام صاحبؒ

(۲۵۹)صوفی رحمت الله برادر

(۲۶۰)صوفی ازادخان ازتگاب

(۲۶۱)صوفی کوندل خان اززرخرید قندوز

(۲۶۲)صوفی فیض الله آلچینی ازقندوز

(۲۶۳)صوفی عبدالرحیم ازارچی

(۲۶۴)صوفی محمدشریف ازارچی

(۲۶۵)محمودشاه کاکاجی ازپیرسباق تحصیل

نوشهره

(۲۶۶)حاجی عبدالله ازقریه قره خال سرپل

(۲۶۷)حاجی جلات خان ازارچی

(۲۶۸)حاجی نظرمحمدلوگری شبرغانی

(۲۶۹)حاجی سخی جان ازکوت مشرقی

(۲۷۰)حاجی عبدالله دفتانی ازارچی

(۲۷۱)حاجی واصل خان ازکوت ننگرهار

(۲۷۲)حاجی صیفور ازنهرکهنه ارچی

(۲۷۳)حاجی عبدالعزیزازخواجه غلطان قندوز

(۲۷۴)حاجی گل محمدازچهل ستون کابل

(۲۷۵)حاجی جهانگیرازشش درك كابل

(۲۷۶)حاجی عبداللهلوگری

(۲۷۷)حاجی خواص خان ازامبارخانه مشرقی

(۲۷۸)حاجی عبدالوهاب ازارچی

(۲۷۹)حاجی گل اعظم

(۲۸۰)حاجی محمدرسول ازارچی

(۲۸۱)حاجی غلام ازگل پته قندوز

(۲۸۲)حاجی فدامحمدازدِه زیارت لغمان

(۲۸۳)حاجی اکبرازتهکال بالاپشاور

(۲۸۴)حاجی حبیب الرحمن ازاڑل علیشنگ لغمان

(۲۸۵)ماموراېوسعیدلغمانی

(۲۸۶)مامور محمد یاسین ازوردگ
(۲۸۷)مامور حبیب الرحمن ازلغمان
(۲۸۸)مامور غلام محمد ازگردی غوث ننگرهار
(۲۸۹)مامور محمد عظیم لوگری

تنبیه

تعداد کسانکه دریک مجلس کارایشان بإتمام رسیده است قرارذیل است

مولوی عنایت الله صاحب مرحوم مذکور
داکتر محمد صدیق مذکوراز ننگرهار
مامور صاحب حبیب الرحمن ازگل کاری لغمان
مولوی همیم صاحب مذکوراز ننگرهار
دامللا حمید الله مذکوراز فاریاب
ملا نور محمد اسماری مذکور
خلیفه امان گل مذکوراز باجوړ
مولوی صاحب منظر حسین مذکوراز یارحسین تحصیل صوابی ضلع مردان
مولوی صاحب میرپایو خان ازگیان زدران

ومن ارادتفصیل المقام واندفاع الاوهام فلینظرالی قول الامام ابی منصور الماتریدی فی الحدیقة الندیة فی الطریقة النقشبندیة لا الحدیقة النابلسی واللّٰہ یهدی من یشآء الی صراط مستقیم

معذرت

آنچه درین رساله ثبت گردید بعضی راقریه ومسکن ایشان برائے راقم الحروف اطلاعی نبود بنابرآن برخی مفصلاً تذکرنه یافت اما ارشاد خط ازجانب مرشدنا قدس سره اگرداشته باشند آن خود کافی است زیرا که تعداد مابعداین تاریخ نیزازان قبیل خواهد بود. ودیگرطرزنگارش چنین پذیرفته شد که هرشخص بنا برشهرت سلک خودش درج شد. مثلاً شخصی معروف به سیادت درزمرۂ سادات وشخصی معروف به حافظ قرآن مجید درضمن حفاظ وشخصی مشهور به حاجی درگروه حجاج. اگرچه بسااشخاص عالم وفاضل ومدرس میباشند اماراقم الحروف ازباب اشتهاربتحریروتسطیرآنها اکتفاء نمودواللّٰہ اعلم

بحقائق الامور کلها تمت الرسالة بعون الله الملک الوهاب فی مائة الرابعة بعد الالف من هجرة سید المرسلین علیه من الصلوات واتمها من التحیات اکملها والحمد لله اولاً واخراً

انتباه

بعضی افاضل باین حقیقت پی برده اندکه تسمیه این رساله ازقبیل اضافت موصوف الی صفته گذاشته شود یعنی معمولات سیفیه درحالیکه ابن حاجب در کافیه مینگارد ولا یضاف موصوف الی صفة چنانچه درحدیث مشکوة بروایت ترمذی وابی داؤد بمضمون کَاَنَّهَا مَوْعِظَةُ مُوَدِّعٍ الحدیث ازقبیل اضافت موصوف الی صفته بدون تانیث مودع مذکوراست ازین جاست که مکتوبات شریف. ومعمولات مظهری. ومقامات عالی. درکلام عامه فصحاء بدون تأنیث جزء دوم شائع شده که عین مدعی است ودیگر درمحاورات اهل عجم .فارسی .داعیة عربی آن متروک میباشد کمالا یخفی علی المتأمل

الحمدللہ والمنۃ کہ رسالۂ وجیزۂ مفیدہ مشتمل بر
اذکارشام گاہی طریقۂ نقشبندیہ سیفیہ مسماۃ بہ

تحفۃ الاخوان

فی ختم خواجگان

بفرمائش

حضرت مرشدنا آخندزادہ صاحب سیف الرحمنؒ

قلبی وروحی فداہ

نیزازقالب طبع برآمدہ رفع حاجات خُلان شد

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة میگوید کمترین خلق الله و اضعف عباد الله ابو الاسفار علی محمد البلخی (۱) آیات و احادیث و آثار اسلاف و اشیاخ درباب ذکر لا تعد و لا تحصی است تفصیلش در کتب مطولات باید جست و آن چه صاحب خزینة الاسرار در خاتمهٔ کتابش آورده ختم خواجگان برائ دفع بلیات و رفع حاجات ایصال ثواب آن بارواح طیبات خوانده میشود ترتیبش این است

ختم خواجگان

(۱) فاتحه شریف هفت مرتبه

(۲) أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ صد مرتبه

---

(۱) مؤلف معمولات سیفی صغیر و معمولات سیفی کبیر و سلاسل اربعه و پانزده نسخ و رسائل دیگر در فنون مختلفه اصلاً از قریهٔ شیخ تاش تیمورام الهلاد و بلخ الحال که ۱۴۰۰ هـ ق ۲ ربیع الاول میباشد در نوشهره پاکستان مهاجر و مسافر میباشم نسئل الله ان یفتح افغانستان فی ایدی المسلمین و نصاحب مع المحبین ۱۲

(۳)درود شریف اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِہٖ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَیْہِ صد ۱۰۰ مراتبه

(۴)سورة الم نشرح (۷۹) مراتبه سورة اخلاص شریف (۱۰۰۰) هزار مراتبه

(۵)فاتحه شریف (۷) هفت بار

(۶)درود شریف مذکور (۱۰۰ صد مراتبه

ختم حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه

(۱)درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

(۲)سُبْحَانَ اللّٰہِ وَبِحَمْدِہٖ (۵۰۰) پنجصد مراتبه

(۳)درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

ختم خلفاء ثلٰثه یعنی حضرت عمر و حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنهم

(۱)سُبْحَانَ اللّٰہِ وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ وَلَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَاللّٰہُ اَکْبَرُ (۵۰۰) پنجصد مراتبه

(۲)درود شریف مذکور (۱۰۰ صد مراتبه

ختم حضرت امام ربانی قدس سره العزیز

(۱)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمراتبہ

(۲)وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰہِ(۵۰۰)پنجصدمراتبہ

(۳)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمرابہ

ختم حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی رحمۃ اللہ علیہ

(۱)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمراتبہ

(۲)حَسْبُنَا اللّٰہُ وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ(۵۰۰)پنجصدمراتبہ

(۳)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمراتبہ

ختم حضرت خواجہ معصوم اول قدس سرہ العزیز

(۱)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمراتبہ

(۲)لَا اِلٰہَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ
الظّٰالِمِیْنَ(۵۰۰)پنجصدمراتبہ

(۳)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمراتبہ

ختم حضرت شاہ نقشبند قدس اللہ سرہ الاقدس

(۱)درودشریف مذکور(۱۰۰)صدمراتبہ

(۲)اَللّٰھُمَّ یَاخَفِیَّ اللُّطْفِ اَدْرِکْنَا بِلُطْفِکَ

الْخَفِي (۵۰۰) پنجصد مراتبه

(۳) درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

ختم حضرت مولنا صاحب محمد هاشم سمنگانی قدس الله سره العزیز

(۱) درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

(۲) اَللّٰهُمَّ يَا اَخْفٰى اللُّطْفِ اَدْرِكْنَا بِلُطْفِكَ الْاَخْفٰى (۵۰۰) پنجصد مراتبه

(۳) درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

ختم حضرت مرشدنا اخندزاده صاحب قدس الله سره

(۱) درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

(۲) سورة قریش (۵۰۰) پنجصد مراتبه

(۳) درود شریف مذکور (۱۰۰) صد مراتبه

ختم حضرت اویس قرنی رحمة الله علیه

(۱) درود شریف مذکور (۷) هفت مراتبه

(۲) حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ (۱۰۰) صد مراتبه

(۳)درود شریف مذکور (۷) ہفت مراتبہ

ختم حضرت خضر علی نبینا علیہ الصلوۃ والسلام

(۱)درود شریف مذکور (۷) ہفت مراتبہ

(۲)وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰہِ اِنَّ اللّٰہَ

بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ (۱۰۰) صدمراتبہ

(۳)درود شریف مذکور (۷) ہفت مراتبہ

(۱)اَللّٰھُمَّ یَاقَاضِیَ الْحَاجَاتِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۲)اَللّٰھُمَّ یَاحَلَّ الْمُشْکِلَاتِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۳)اَللّٰھُمَّ یَاکَافِیَ الْمُھِمَّاتِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۴)اَللّٰھُمَّ یَادَافِعَ الْبَلِیَّاتِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۵)اَللّٰھُمَّ یَاشَافِیَ الْاَمْرَاضِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۶)اَللّٰھُمَّ یَارَافِعَ الدَّرَجَاتِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۷)اَللّٰھُمَّ یَامُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۸)اَللّٰھُمَّ یَاھَادِیَ الْمُضِلِّیْنَ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۹)اَللّٰھُمَّ یَااَمَانَ الْخَائِفِیْنَ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۱۰)اَللّٰھُمَّ یَادَلِیْلَ الْمُتَحَیِّرِیْنَ(۱۰۰)صدمراتبہ

(۱۱) اَللّٰهُمَّ يَا رَاحِمَ الْعَاصِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۲) اَللّٰهُمَّ يَا اَجَارَ الْمُسْتَجِيْرِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۳) اَللّٰهُمَّ يَا مُيَسِّرَ كُلِّ عَسِيْرٍ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۴) اَللّٰهُمَّ يَا مُنْجِيَ الْغَرْقٰى (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۵) اَللّٰهُمَّ يَا مُنْقِذَ الْهَلْكٰى (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۶) اَللّٰهُمَّ يَا مُسَبِّبَ الْاَسْبَابِ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۷) اَللّٰهُمَّ يَا مُفَتِّحَ الْاَبْوَابِ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۸) اَللّٰهُمَّ يَا خَيْرَ النَّاصِرِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۸) اَللّٰهُمَّ يَا خَيْرَ الرَّازِقِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۸) اَللّٰهُمَّ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۸) اَللّٰهُمَّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۸) اَللّٰهُمَّ يَا خَيْرَ اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه
(۱۸) اَللّٰهُمَّ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ (۱۰۰) صدمراتبه

اَغِثْنَا بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ وَيَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ
وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ (۱) مرتبه

الحمدلله الذی وفقنافی طباعت هذه

الرسالة الوجیزة المسماة

بالدَافِعِ التّفَوُهْ

فی

اِثْبَاتِ التَّصَرُّفِ وَالتَّوَجُّهْ

وقدطبعهامرشدناومولاناواولانا

حضرت آخندزاده صاحب زادالله فیضانه

مرةفی خمس مانةورقةسد التفوه بعض الناس

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمده ونصلى على رسوله الكريم امابعدفان التوجه والتصرف من الاولياء ثابت خصوصاًفى الطريقة النقشبندية المجددية ونحن ننقل هناعدة مواضع فى هذين البابين من كتب اجلة اصحاب الصوفية بطريق الاختصار لان القطرة تشهد عن البحر والله اسئل ان يهدى به المعذورين الى طريق الخير والافدونه خرط القتادفمنهم العلامة الفهامة واستاذ الاساتذة فى اقليم الهند الشاه ولى الله الدهلوى حيث قال فى رسالته المسماة بالقول الجميل فى بيان سواء السبيل ص ١٠١ وللنقشبندية تصرفات عجيبة من جمع الهمة على مرادفيكون على وفق الهمة والتاثير فى الطالب انتهى وقال فى ص ١٠٢ .اما هذه التصرفات عند كبرائهم اصحاب الفناء فى الله والبقاء به فلها شان عظيم واما عندسائرهم فالتاثير فى الطالب ان يتوجه الشيخ الى نفسه الناطقة ويصادمها بالهمة القوية ثم

يستغرق فى نسبته بالجمعية وهذا بعد ان تكون نفس الشيخ حاملة لنسبة من نسب القوم وكانت ملكة راسخة فيها فتنتقل نسبته الى الطالب على حسب استعداده ومنهم من يشرب بهذا التوجه الذكر والضرب على قلب الطالب انتهى وقال ايضا ص١٠٥ اوالتصرف فى قلوب الناس حتى يحبوا اوفى مداركهم حتى يتمثل فيها الواقعات صورته ان يصادم نفس الطالب بقوة الهمة ويجعلها متصلة بنفسه ثم يتخيل صورة المحبة او الواقعة ويتوجه اليها بمجامع قلبه فان التوجه اليه يتأثر ويظهر فيه الحب وتتمثل له الواقعة انتهى كلامه الشريف وقال العارف الربانى حضرت مجدد الف الثانى فى مكتوباته فى مكتوب ٢٩٠ من المجلد الاول بقوله اين درويش را چون هوس اين راه پيدا شد عنايت خداوندى جل وعلا هادى كاراو گشته بخدمت ولايت پناه حقيقت آگاه هادى طريق اندراج النهايت فى البدايت والى سبيل

الموصل الى درجات الولايت مؤيدالدين المرضى شيخنا ومولانا وامامنا الشيخ محمدالباقى قدس الله تعالى سره كه يكى ازخلفائ كبارخانوادهٔ حضرات اكابرنقشبنديه قدس الله تعالى اسرارهم بوده اند رسانيدوايشان اين درويش راذكراسم ذات جل سلطانه تعليم فرمودند وبطريق معهود (١) توجه نمودندتاالتذاذتمام درمن پيداشدوازكمال شوق گريه دست دادوبعدازيك روزكيفيت بيخودى كه نزداين اكابرمعتبراست ومسمى است بغيبيت رونمودوقال فى مكتوب ٢ من المجلد الاول بقوله ببركت توجه عالى بهردوطريق جذبه وسلوك تربيت فرمودند انتهى كلامه الشريف وقال المحشى مولانانوراحمد فى هذاالمكتوب فى حاشية٧ بدانكه پيركامل ومكمل نائب مناب پيغمبرچون توجه خودرابكارمريدميبرد كه مريدرادران هيچ عملى نمى بايدوببركت توجه او

---

(١) يعنى معلوم ومعروف نزداين اكابر

لطائف عالم امراووفناهريک ازان دراصول شان دست میدهداین راسیرنفسی میگویندانتهی کلامه الشریف وقال ایضاًفی مکتوب ۹۰من المجلدالاول بقوله الشریف امروز حصول این دولت عظمیٰ وابسته بتوجه واخلاص باین طبقهٔ عالیه نقشبندیه است بریاضات شاقه ومجاهدات شدیده آن میسر نگرددکه بیک صحبت ایشان حصول یابدچه در طرق این بزرگواران اندارج نهایت دربدایت است انتهی کلامه الشریف وقال ایضاًفی مکتوب ۲۲۱من المجلدالاول ودرین طریق تسلیک طالب مربوط بتصرف شیخ مقتداست بی تصرف اوکارنمی کشاید چه اندراج نهایت در بدایت اثرتوجه شریف اوسط وحصول معنی بیچونی وبیچیگونگی نتیجهٔ کمال تصرف اوکیفیت بیخودی که آن راراه مخفی اعتبار کرده اندحصول آن دراختیارمبتدی نیست وتوجهی که معرّیٰ ازشش جهت است وجودآن درخورحوصلهٔ

طالب نه:

نقشبندیه عجب قافله سالا رانند
که برندازراه پنهان بحرم قافله را

این بزرگواران همچنین قدرت کامله براعطائ نسبت دارندوحضورواگاهی رادراندك وقت بطالب صادق عطاء میفرمایندرسلب آن نسبت نیزقدرت تامه دارندوبیک اتفاقی صاحب نسبت رامفلس سازندبلی آنهامیدهندمی ستانند هم انتهی کلامه الشریف وقال الشاه عبدالعزیز الدهلوی فی تفسیره تفسیر سورة اقرأفی ص۲۴۵ بقوله الشریف وانواع تأثیر کاملان درغیرخودکه آنرادرعرف اهل طریقت توجه نامندوآن به چهارقسم میباشد(۱)انعکاسی(۲)

دوم القائی (۳) سوم اصلاحی (۴) اتحادی انتهی (۱) ملخصا والتفصیل هناك وقدنقل فی هذا المقام موت رجل خبار (۲) فی توجه حضرت خواجه باقی باللّٰه وکذا تغیر حال المجدد قدس سره حین التوجه کما مر آنفا ثم اعلم ان قول القائل ان التصرف والتوجه من شعبات السحر الا فی امور حسنة مأول والا فیلزم علیه امر عظیم لان التوجه الصوفیة وتصرفهم فی امور حسنة لاغیر کما مر آنفا والحدیث هم جلساء اللّٰه لا یشقٰی جلیسهم وان لم یکن قوله فی امور حسنة

---

(۱) چهارم تأثیر اتحادی که شیخ روح خودرا که حامل کمالیست بارواح مستفید بقوت تمام متحد سازد تا کمال روح شیخ بارواح مستفید نماید واین مرتبه اقوی ترین انواع تأثیر است چه ظاهر است که حکم اتحاد روحین هر چه در روح شیخ است بروح تلمیذ میرسد وبار بار حاجت استفاده نمی ماند انتهی تفسیر عزیزی ۱۲ منه

(۲) وذلک لعدم تحمله واستطاعه نسبة الشیخ لان خواجه باقی باللّٰه بلغه واوصله الی مقامه حسب اقتضائه بتوجه اتحادی فی مجلس واحد فمات بعد ثلاثة ایام مثنوی گر بریزد بحر را در کوزهٔ چند گنجد لائق یک روزهٔ وتمام البحث فی تفسیر الشاه عبدالعزیز قدس سره

فنقول له ان سا دلة العلماء والصوفية كمو لانا الشاه ولى الله الدهلوى وابنه الشاه عبدالعزيز والشيخ احمد المعروف بامام الربانى والشيخ عبدالله المعروف بشاه غلام على الدهلوى ومولانا خالد الرومى واشباههم كلهم ساحرون ومكذبون بقول هذا القائل واذالم ترالهلال فسلم: لِأُناس رَأَوْهُ بِالْاَبْصَارِ والعجب كل العجب من قوله ان كان فى السيئة فسيئة اه وهو لم يعلم ما التوجه فياليت شعرى اقول ان التوجه من جانب المرشد هو القاء نسبة الباطنية الى المريد لا غيره كما مر آنفا فكيف يتصور انتسابه الى السيئة ومن كان له ادنٰى حصة فى الطريقة المجددية لم يتقول بهذا مثلاً وقال الشاه غلام على الدهلوى فى مكتوب ١٠٩ فى خطابه الى العلماء الى ديار الروم فى مدائح مولانا خالد الرومى بقوله الشريف باز توجهات بر لطائف عالم امر و لطائف عالم خلق ايشان كرده شد انتهى قوله الشريف وكذا فى مكتوب ٢٧ فى اجازة التوجه

لمولانا رؤف احمد صاحب حيث خاطب لغلام محمدخان بقوله وشمارا اگر فرصت باشد از ايشان توجه بگيرند پس مناسب است الله تعالى همين قدم ايشان دران ضلع بركت وآبادى كرامت فرمايد والسلام اينتهى واذا عرفت اثبات التوجه والتصرف عن احالتنا المعتبرة فى الطريقة النقشبندية المجددية فاعلم ان من ادعى الطريقة النقشبندية المجددية ولم يظهر لديه آثار التوجه والتصرف فهو مفترفى ادعائه وكذاب فى مدعائه والله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم تمت بالخير

كتبه مفتى ابوضياء الله ضياء الرحمن فاروقى حنفى سيفى ننگرهارى مدرس جامعة السيفية ببلدة لاهور

ربيع الثانى ١٤٣٦/١٢هـ

سلسلہ عالیہ طریقہ نقشبندیہ مجددیہ
معصومیہ شمسیہ مولویہ ہاشمیہ سیفیہ

(۱)حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
(۲)حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ
(۳)حضرت ابوعبداللہ سلمان فارسی رضی اللہ عنہ
(۴)حضرت قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق رضی اللہ عنہ
(۵)حضرت ابوعبداللہ امام جعفر صادق بن امام محمد باقر رضی اللہ عنہ
(۶)حضرت ابویزید طیفور بن عیسی عرف بایزید بسطامی قدس اللہ سرہ
(۷)حضرت ابوالحسن علی بن جعفر خرقانی قدس اللہ سرہ
(۸)حضرت ابوعلی فضل بن محمد الطوسی عرف ابوعلی فارمدی قدس اللہ سرہ
(۹)حضرت یعقوب خواجہ یوسف الھمدانی النعمانی قدس اللہ سرہ
(۱۰)حضرت خواجہ عبدالخالق غجدوانی المالکی نسباً الحنفی مذھباً قدس اللہ سرہ

(۱۱)حضرت خواجه عارف ریوگری قدس اللہ سرہ
(۱۲)حضرت خواجه محمود انچرفغنوی قدس اللہ سرہ
(۱۳)حضرت خواجه علی النساج رامیتی عرف حضرت عزیزان قدس اللہ سرہ
(۱۴)حضرت خواجه محمدبابای سماسی قدس اللہ سرہ
(۱۵)حضرت خواجه سیدامیر کلال قدس اللہ سرہ
(۱۶)حضرت خواجه بهاؤالدین محمدبن محمدالبخاری عرف شاہ نقشبندقدس اللہ سرہ
(۱۷)حضرت خواجه علاؤالدین محمدبن محمدالبخاری عرف خواجه عطارقدس اللہ سرہ
(۱۸)حضرت مولانایعقوب چرخی لوگری قدس اللہ سرہ
(۱۹)حضرت ناصرالدین عبیداللہ بن محمود السمرقندی عرف خواجه احرارقدس اللہ سرہ
(۲۰)حضرت مولانامحمدزاهدوخشی حصاری قدس اللہ سرہ
(۲۱)حضرت خواجه درویش محمدالخوارزمی قدس اللہ سرہ
(۲۲)حضرت خواجه محمدمقتدی الامکنگی البخاری قدس اللہ سرہ
(۲۳)حضرت مؤیدالدین بیرنگ محمدباقی باللہ الکابلی قدس اللہ سرہ

(۲۴)حضرت امام ربانی مجددالف ثانی حضرت شیخ احمدالفاروقی قدس اللہ سرہ

(۲۵)حضرت عُروۃالوثقٰی خواجہ محمدمعصوم اول قدس اللہ سرہ

(۲۶)حضرت خواجہ محمدصبغۃاللہ قدس اللہ سرہ

(۲۷)حضرت خواجہ محمداسماعیل عرف امام العارفین قدس اللہ سرہ

(۲۸)حضرت حاجی غلام محمدمعصوم عرف خواجہ معصوم ثانی قدس اللہ سرہ

(۲۹)حضرت شاہ غلام محمدعرف قدوۃالاولیاء قدس اللہ سرہ

(۳۰)حضرت حاجی محمدصفی اللہ قدس اللہ سرہ

(۳۱)حضرت شاہ محمدضیاء الحق عرف حضرت شہیدقدس اللہ سرہ

(۳۲)حضرت حاجی شاہ ضیاء عرف میاجی قدس اللہ سرہ

(۳۳)حضرت صاحب شمس الحق عرف حضرت صاحب کوہستان قدس اللہ سرہ

(۳۴) حضرت مولاناشاہ رسول الطالقانی قدس اللہ سرہ

(۳۵) حضرت مولانامحمدھاشم السمنگانی قدس اللہ سرہ

(۳۶) حضرت مرشدناآخندزادہ سیف الرحمن قدس اللہ سرہ

سلسله طریقه عالیه حضرات قادریه

قدس اللہ اسرارہم الصافیۃ

(۱) حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

(۲) حضرت امیر المؤمنین علی کرم اللہ وجہہ

(۳) حضرت ابو سعید حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ

(۴) حضرت ابو محمد شیخ حبیب عجمی رحمۃ اللہ علیہ

(۵) حضرت ابو سلیمان داؤد طائی رحمۃ اللہ علیہ

(۶) حضرت ابو محفوظ معروف کرخی رحمۃ اللہ علیہ

(۷) حضرت ابو حسن عبد اللہ سری سقطی رحمۃ اللہ علیہ

(۸) حضرت سید الطائفۃ ابو القاسم جنید بغدادی قدس اللہ سرہ

(۹) حضرت ابو بکر الشبلی المالکی قدس اللہ سرہ

(۱۰) حضرت شیخ عبد العزیز بن حارث الاسدی التمیمی قدس اللہ سرہ

(۱۱) حضرت شیخ عبد الواحد بن عبد العزیز المتقدم قدس اللہ سرہ

(۱۲) حضرت شیخ ابو الفرح طرطوسی قدس اللہ سرہ

(۱۳) حضرت ابو الحسن ہنکاری قدس اللہ سرہ

(۱۴)حضرت ابوسعیدمبارک قدس اللہ سرہ
(۱۵)حضرت ابومحمدعبدالقادرالجیلانی الحنبلی الحسنی قدس اللہ سرہ
(۱۶)حضرت شاہ دولہ دریائی قدس اللہ سرہ
(۱۷)حضرت شاہ منورقدس اللہ سرہ
(۱۸)حضرت شاہ عالم الدهلوی قدس اللہ سرہ
(۱۹)حضرت شیخ احمدملتانی قدس اللہ سرہ
(۲۰)حضرت شیخ جنیدپشاوری قدس اللہ سرہ
(۲۱)حضرت مولانامحمدصدیق بونیری قدس اللہ سرہ
(۲۲)حضرت مولاناحافظ محمدہشتنگری قدس اللہ سرہ
(۲۳) حضرت مولانامحمدشعیب تورڈھیری قدس اللہ سرہ
(۲۴) حضرت مولاناعبدالغفورعرف سوات صاحب قدس اللہ سرہ
(۲۵)حضرت مولانانجم الدین عرف حضرت ہڈّی صاحب قدس اللہ سرہ
(۲۶) شیخ الاسلام تکاب حضرت شیخ حمیداللہ صاحب قدس اللہ سرہ
(۲۷)حضرت مولاناشاہ رسول الطالقانی قدس اللہ سرہ
(۲۸)حضرت مولانامحمدهاشم السمنگانی قدس اللہ سرہ
(۲۹)حضرت مرشدنا آخندزادہ صاحب سیف الرحمن قدس اللہ سرہ

سلسله طریقۂ انیقۂ حضرات چشتیہ

قدس اللہ اسرارہم العالیۃ

(۱)حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

(۲)حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم اللہ وجہہ

(۳)حضرت ابو سعید حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ

(۴)حضرت ابو الفضل عبد الواحد بن زید رحمۃ اللہ علیہ

(۵)حضرت ابو الفیض فضیل بن عیاض رحمۃ اللہ علیہ

(۶)حضرت ابو اسحاق ابراہیم بن ادہم الفاروقی البلخی رحمۃ اللہ علیہ

(۷)حضرت سید الدین خواجہ حذیفہ مرعشی رحمۃ اللہ علیہ

(۸)حضرت امین الدین شیخ ہبیرۃ البصری قدس اللہ سرہ

(۹)حضرت کریم الدین منعم شیخ ممشاد دینوری قدس اللہ سرہ

(۱۰)حضرت شریف الدین ابو اسحاق شامی قدس اللہ سرہ

(۱۱)حضرت قدوۃ الدین ابو احمد ابدال الچشتی الحسنی قدس اللہ سرہ

(۱۲)حضرت خواجہ ابو محمد چشتی قدس اللہ سرہ

(۱۳)حضرت ناصر الدین خواجہ ابو یوسف الچشتی الحسینی قدس اللہ سرہ

(۱۴)حضرت خواجه قطب الدین مودودالچشتی
الحسینی قدس اللہ سرہ
(۱۵)حضرت نیرالدین حاجی شریف زندنی قدس اللہ سرہ
(۱۶)حضرت ابومنصورخواجه عثمان ہارونی قدس اللہ سرہ
(۱۷)حضرت خواجه معین الدین حسن الحسینی
السنجری الاجمیری قدس اللہ سرہ
(۱۸)حضرت خواجه قطب الدین بختیارکاکی الاوشی
الحسینی قدس اللہ سرہ
(۱۹)حضرت فریدالدین مسعودالفاروقی الغزنوی
عرف گنج شکرقدس اللہ سرہ
(۲۰)حضرت مخدوم علاؤالدین علی
احمدصابرکلیری الحسینی قدس اللہ سرہ
(۲۱)حضرت شیخ شمس الدین ترک پانی پتی قدس اللہ سرہ
(۲۲)حضرت جلال الدین خواجه محمودعثمانی پانی
پتی قدس اللہ سرہ
(۲۳)حضرت شیخ احمدعبدالحق ابدال قدس اللہ سرہ

(۲۴)حضرت شیخ محمد عارف عرف مخدوم قدس اللہ سرہ
(۲۵)حضرت عبدالقدوس النعمانی الغزنوی ثم الگنگوہی قدس اللہ سرہ
(۲۶)حضرت شیخ رکن الدین گنگوہی قدس اللہ سرہ
(۲۷)حضرت شیخ عبدالواحد الفاروقی الکابلی
(۲۸)حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی حضرت شیخ احمد الفاروقی قدس اللہ سرہ
(۲۹)حضرت سید آدم بنوری قدس اللہ سرہ
(۳۰)حضرت سید عبداللہ الحسینی عرف حاجی بہادر صاحب قدس اللہ سرہ
(۳۱)حضرت مولانا شیخ مامون شاہ منصوری قدس اللہ سرہ
(۳۲)حضرت مولانا محمد نعیم کاموی قدس اللہ سرہ
(۳۳)حضرت سید محمد شاہ الحسینی السدھومی قدس اللہ سرہ
(۳۴)حضرت مولانا حافظ محمد صدیق بونیری قدس اللہ سرہ
(۳۵)حضرت مولانا حافظ محمد ہشتنگری قدس اللہ سرہ
(۳۶)حضرت مولانا محمد شعیب تورڈھیری قدس اللہ سرہ

(۳۷)حضرت مولانا عبد الغفور عرف سوات صاحب قدس اللہ سرہ
(۳۸)حضرت مولانا نجم الدین عرف حضرت ھڈی صاحب قدس اللہ سرہ
(۳۹)حضرت شیخ حمید اللہ عرف شیخ الاسلام تگاب قدس اللہ سرہ
(۴۰)حضرت شاہ رسول الطالقانی قدس اللہ سرہ
(۴۱)حضرت مولانا محمد ھاشم السمنگانی قدس اللہ سرہ
(۴۲)حضرت مرشدنا آخندزادہ صاحب سیف الرحمن قدس اللہ سرہ

سلسلہ طریقۂ عُمیقۂ حضرات سُہروردیہ
قدس اللہ اسرارھم العالیۃ

(۱)حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
(۲)حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم اللہ وجھہ
(۳)حضرت ابو سعید حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ
(۴)حضرت ابو محمد شیخ حبیب عجمی رحمۃ اللہ علیہ
(۵)حضرت ابو سلیمان داؤد طائی رحمۃ اللہ علیہ
(۶)حضرت ابو محفوظ معروف کرخی رحمۃ اللہ علیہ

(۷)حضرت ابوالحسن عبداللہ سری سقطی رحمۃاللہ علیہ
(۸)حضرت ابوالقاسم جنیدبغدادی قدس اللہ سرہ
(۹)حضرت کریم الدین ممشاددینوری قدس اللہ سرہ
(۱۰)حضرت ابوالعباس احمددینوری قدس اللہ سرہ
(۱۱)حضرت شیخ محمدبن عبداللہ عمویۃقدس اللہ سرہ
(۱۲)حضرت ابوعمرقطب الدین سہروردی قدس اللہ سرہ
(۱۳)حضرت ابوالنجیب عبدالقاہرالسہروردی الصدیقی قدس اللہ سرہ
(۱۴)حضرت ابوحفص شہاب الدین عمرالصدیقی الشافعی قدس اللہ سرہ
(۱۵)حضرت ابوالبرکات بہاؤالدین زکریاالاسدی القرشی الملتانی قدس اللہ سرہ
(۱۶)حضرت ابوالفتح رکن الدین فضل اللہ القرشی قدس اللہ سرہ
(۱۷)حضرت مخدوم جہانیاں ابوالکرم سیدجلال الدین بخاری قدس اللہ سرہ
(۱۸)حضرت سیداجمل صاحب قدس اللہ سرہ

(۱۹)حضرت سیدبدھن بٹھیرانچی قدس اللہ سرہ
(۲۰)حضرت شیخ محمددرویش قدس اللہ سرہ
(۲۱)حضرت شیخ عبدالقدوس النعمانی الغزنوی ثم الگنگوھی قدس اللہ سرہ
(۲۲)حضرت شیخ رکن الدین گنگوھی قدس اللہ سرہ
(۲۳)حضرت شیخ عبدالاحدالفاروقی قدس اللہ سرہ
(۲۴)حضرت امام ربانی مجددالف ثانی حضرت شیخ احمدالفاروقی قدس اللہ سرہ
(۲۵)حضرت سیدآدم بنوری قدس اللہ سرہ
(۲۶)حضرت حاجی بہادرسیدعبداللہ الحسینی قدس اللہ سرہ
(۲۷)حضرت مولاناشیخ مامون شاہ منصوری قدس اللہ سرہ
(۲۸)حضرت مولانامحمدنعیم کاموی قدس اللہ سرہ
(۲۹)حضرت سیدمحمدشاہ الحسینی السدھومی قدس اللہ سرہ
(۳۰)حضرت مولاناحافظ محمدصدیق بونیری قدس اللہ سرہ
(۳۱)حضرت مولاناحافظ محمدھشتنگری قدس اللہ سرہ
(۳۲)حضرت مولانا محمدشعیب تورڈھیری قدس اللہ سرہ
(۳۳)حضرت مولاناعبدالغفورعرف سوات صاحب قدس اللہ سرہ

(۳۴)حضرت مولانانجم الدین عرف حضرت هڈی صاحب قدس اللہ سرہ

(۳۵)حضرت شیخ الاسلام حمیداللہ تگابی قدس اللہ سرہ

(۳۶)حضرت شاہ رسول الطالقانی قدس اللہ سرہ

۳۷حضرت مولانامحمدهاشم السمنگانی قدس اللہ سرہ

(۳۸)حضرت مرشدنا آخندزادہ صاحب سیف الرحمن قدس اللہ سرہ

۱۴/ربیع الثانی ۱۴۳۶ھ مصادف ۲/۲/۴ ۲۰۱۵م

من هجرة من له العزوالشرف

ابوالاسفارعلی محمدالبلخی پاوکه پشاور

ارشادخط حضرت آخندزاده صاحب که ۲۵ سال قبل ازین تاریخ ازطرف حضرت مولاناصاحب مرحوم محمدهاشم السمنگانی قدس سره منظورشده بوداین است

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی نورقلوب العارفین بانوار التجلیات
والواردات وعطر مشام المشتاقین بنفحات الانس
والمشاهدات والصلوة والسلام الزاکیات النامیات
علی اشرف الموجودات وعلی اله واصحابه الذین
استفادوابصحبته اعلی المقامات والکرامات
وبعدفیقول الفقیرالی الله العلی القدیرمحمدهاشم بن
محمدوزیرقدس الله سره ان الاخ البارالصالح
اخندزاده سیف الرحمٰن بن قاری سرفرازلما اخذعنی
الطریقة النقشبندیة واتم جمیع اسباقهاووصل الی
مرتبة الحضوروالولایةورأیته اهلاً للارشادوالهدایة
فاجزت له عندئذاجازة مقیدة لارشادالمسترشدین
ثم لماوجدته ذااستعدادقوی لایشارکه غیره بین
الخُلان فاجزته حینئذبعدعدة سنوات اجازة مطلقة
وهوالآن کالشمس فی منتصف النهارولایخالفه الا

من انطمس بصیرته فمقبوله مقبولی ومردوده مردودی والله ولی التوفیق والسداد ومنه الهدایة والارشاد

۲۲جوزا:۱۳۴۴ش

محمدهاشم

اسامی آنعده اشخاصکه درآندم حضورداشته بودندازینقرار است

(۱)محمدلعل(۲)میرزامحمدحضرت خسرمولانا صاحب مرحوم(۳)مولوی سیدمحمدبرادرمیرزا صاحب مذکور(۴)عبدیالله اخندزاده خلیفه مولاناصاحب شاه رسول مرشداول حضرت آخندزاده صاحب(۵)مولاعبدالباسط برادربزرگ حضرت آخندزاده صاحب وخسردوم مولاناصاحب مرحوم(۶)مولامحمدصادق مرحوم ایضابرادربزرگ

حضرت آخندزاده صاحب(۷)مرحوم مولاخایسته

خان(۸)مولاهجوم ازلغمان

چندنکتهٔ قابل تذکار

(۱)این ارشادخط درحضوریکعدد وشهود عینی تحریروتصدیق شده است که اکثرآنهاتاکنون درقید حیات میباشند

(۲)اصل نسخه مخطوطه که دراختیارماقراردارد شروع به حمدوصلٰوة کتبی نبوده واین حمدوصلٰوة عین بیاض علاوه شده است

(۳)جملهٔ دعائیه بین قوسی نیزدرمبیضه تشریفا الحاق شده است

(۴)امضاء حضرت مولاناصاحب مرحوم بقلم خودشان میباشدکه بدون مراعات استنساخ بیضه ترکاشکل اصلی آن ازاصل مخطوطه اونسبت نموده شد

(۵) داعیه طباعت ازینقرار بوده

(۱) اصل نسخه کتبی آن که -۲۵- سال قبل املاء شده است سرحد آن درجائی کشیده بود که عنقریب از خواندن برآید روی آن بمضمون کل علم لیس فی القرطاس ضاع به طبع آن اقدام نموده شد

(۲) چندی قبل شخصی از مریدین ایشان نزیل لاهور بنام شیخ محمد عابد حسین بعضی کلمات آنراکه خوانده توانسته بود و حسب المقدور در حفظ داشت ماحضر آنرا بر علاوه یک خطبه الحاقیه از حافظه به چاپ سپرده بود که عناوین آن با اصل مسوده که اینک مبیضه آنرا در دست رس تان گذاشتیم مخالفت زیادی داشت که ناشی از عدم تدقیق پیرامون اصل غیر مطبوع و مخدوش و مندرس بوده بناءً درین مرتبه بعد از بذل مساعی بلیغ موفق شدیم

که اصل مخروقه رامعدالطبع نمودیم که ان شاء الله
دیگرازتصحیف وتغیرمحفوظ گردیدودائماًدر اختیار
عموم برادران وآشنایان مورداستفاده واستنادقرار
گرفت

گرچه درگوش نیایدگفتهٔ کس
اررسولان بلاغ باشدوبس

اجازه طبع

شخص بلخی درین مورداز طرف بنده مجازبوده که
نقل ارشادخط فقیرراضمیمه معمولات سیفی بطبع
برساند۶ قوس ۱۳۲۹ هـ ش

تاریخ طبع پنجم ۲۴ جوزا ۱۳۴۳ ش

فقیرسیف الرحمٰن
اخندزاده پیرارچی



المکتبۃ السیفیہ مرکزی آستانہ عالیہ سیفیہ فقیرآباد شریف لاہور